

### ارزش ریال با زهم سقوط کرد

● در فاصله دو هفته بهای دلار آمریکا از ۲۱۰۰ ریال به ۲۴۰۰ ریال رسید

در پی یک ثبات چند هفته ای در بازار آزاد ارز که بهای دلار بین ۲۰۸ تا ۲۱۰ تومان ثابت مانده بود، بهای ارزهای خارجی در تهران رو به افزایش گذاشت و ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی با زهم سقوط کرد. در فاصله دو هفته گذشته دلار آمریکا از ۲۱۰ به ۲۴۰ تومان در آخرین روزهای هفته گذشته رسید. همچنین در همین روزها مارک آلمان ۱۳۵ تومان، پوند انگلیس ۳۴۰ تومان و فرانک فرانسه ۳۹۵ دلار بازار آزاد ارز خرید و فروش می شد. در همین حال بهای اعلام شده از سوی بانک

مرکزی برای ارزهای خارجی همچنان بدون تغییر مانده است و بهای هر دلار از سوی بانک مرکزی ۱۷۵ تومان اعلام شده است. بحران اخیر در بازار آزاد ارز تهران و سقوط با زهم بیشتر ارزش ریال دومین نوسان شدید ارزی طی سه ماه گذشته است که در پی کاهش بهای نفت و تشدید بحران اقتصادی در کشور پدید آمده است. این نوسانات ارزی انعکاس بحران و ناتوانی شدید اقتصادی است که ناگزیر سقوط ارزش پول ملی را در پی

### در ایران ۱۹ هزار زندانی عقیدتی وجود دارد

همزمان با اظهارات او از سوی گالیندوبل گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل انتشار یافت، آمده است که در ایران ۱۹ هزار زندانی سیاسی وجود دارد. مشروح گزارش گالیندوبل روز جمعه گذشته انتشار یافت. در این سند که آخرین گزارش سالانه گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد است، گفته شده است که در یکسال گذشته وضع حقوق بشر در جمهوری اسلامی کوچکترین بهبودی پیدا

اسداله لاجوردی رئیس سازمان زندانهای جمهوری اسلامی هفته گذشته در گفتگویی با روزنامه تهران تا میز اعلام کرد که در جمهوری اسلامی ۸۹ هزار نفر زندانی وجود دارد. این نخستین بار است که یک مقام جمهوری اسلامی آماری از زندانیان ارائه می دهد. به گفته لاجوردی ۵۳ درصد زندانیان را قاچاقچیان مواد مخدر و ۵ درصد آنها را زنان تشکیل می دهند. لاجوردی به رقم زندانیان سیاسی اشاره نکرد اما در گزارشی که

### کنترل قشریون بر صدا و سیما بیشتر شد

- خامنه ای محمد هاشمی را برکنار، شورای سیاست گذاری صدا و سیما را منحل و لاریجانی را ریاست این سازمان منصوب کرد.
- مصطفی میر سلیم بعنوان وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شد
- تغییرات اخیر، موقعیت هاشمی رفسنجانی را با زهم تضعیف کرد.

بر انجام بعد از گذشت مدتی از نزاع سنگین بین مجلس شورای اسلامی و سازمان صدا و سیما، محمد هاشمی از ریاست این سازمان برکنار شد و علی لاریجانی وزیر ارشاد اسلامی طی حکمی از جانب خامنه ای به مدت ۵ سال به ریاست آن منصوب گردید. به جای لاریجانی، مصطفی میر سلیم از طرف رئیس جمهور به عنوان وزیر ارشاد معرفی شد. بدین طریق بزرگترین موثرترین ارگان تبلیغاتی رژیم اسلامی از انحصار هاشمی رفسنجانی بیرون آمد و در اختیار گروهی قرار گرفت که از خامنه ای تبعیت می کنند. محمد هاشمی بمدت سیزده سال ریاست صدا و سیما را بعهده داشت. حزب الهی ها، نیروهای وابسته به جناح رسالت و قشریون بشدت از بر نامه های راد یو و تلویزیون ناراضی

بوده و خواهان برکناری محمد هاشمی و تغییر مشی حاکم بر این سازمان بودند. حدود یکسال قبل نمایندگان وابسته به جناح رسالت در مجلس به کمیسیون تحقیق و تفحص ماموریت دادند که در مورد عملکرد صدا و سیما گزارشی تهیه

کنند. کمیسیون منتخب مجلس در گزارشی که چند ماه قبل در مجلس قرائت گردید، ادعا نموده بود که صدا و سیما در هفت سال گذشته از فرهنگ اسلامی فاصله گرفته و بسوی فرهنگ غربی گرایش پیدا کرده است. بگفته این گزارش، حزب الهی ها از این سازمان تصفیه شده و غرب زده ها جایگزین آنها شده اند. در عین حال گزارش دهندگان، محمد هاشمی را به فساد مالی متهم کرده بودند. صدا و سیما بلافاصله بعد از انتشار این گزارش، واکنش تند و نشان داد و جوابیه مفصلی را تهیه و از شبکه سراسری راد یو پخش نمود. نمایندگان مجلس به این ادامه در صفحه ۲



علی لاریجانی



محمد هاشمی

ارزیابی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### از اوضاع کنونی کشور

در صفحه ۲

### شصتمین سالگرد خاموشی

### سرود خوان آزادی

در صفحه ۶

### "تحول سینمای ایران"

### و چشم انداز آن

### برای سال ۲۰۰۰

در صفحه ۶

### گزارشی از جشن

### بیست و سومین سال بنیانگذاری سازمان

### در آلمان

در صفحه ۱۰

### داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران:

### یک جنبش مردمی

### برای کنار زدن دیکتاتوری در راه است

داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران در مصاحبه با روزنامه "آیندپندت" چاپ لندن، پیش بینی کرد که در ایران به زودی یک جنبش مردمی، برای کنار زدن سیستم دیکتاتوری کنونی در خواهد گرفت. وی در گفتگویی تلفنی خود از تهران گفت: "نیروی تازه، جنبشی مردمی که در میان همه ملت ریشه دارد، آماده است تا وارد عمل شود و سیستم دیکتاتوری و سرکوبگری کنونی را کنار زند و به جای آن نظامی پراستی دموکراتیک را جایگزین نماید و ایران را از فاجعه ای که با آن دست به گریبان است، نجات دهد."

فروهر در این مصاحبه خاطر نشان کرد رژیم جمهوری اسلامی از هدفهای والای انقلاب مانند پی رختن یک ایران قدرتمند، مرفه و پیشرفته با جایگاهی شایسته در جهان ملتها، به کز راه رفته است. وی گفت: "در حال حاضر بیکاری بیداد می کند، در زمینه بهداشت و آموزش

### اعتراض جهانی به فتوای قتل سلمان رشدی

● جمهوری اسلامی: از تلاش برای کشتن رشدی دست نمی کشیم!

روز ۲۵ بهمن سالگرد فرمان قتل سلمان رشدی بود. بار دیگر در این روز رژیم ایران از طرف بسیاری از مردم جهان و مقامات بین المللی مورد سؤال قرار گرفت و به پذیرش قرارداد های متعارف جهانی دعوت شد. جان میجر نخست وزیر انگلیس اظهار داشت که اگر حکومت ایران خواستار عادی سازی روابطش با جهان باشد باید فرمان قتل سلمان رشدی را ملغی اعلام کند. نظیر چنین گفته هایی از طرف مقامات مسئول سایر کشورهای اروپایی نیز تکرار شد. در هفته ای اخیر علاوه بر مقامات رسمی کشورهای اروپایی محافل روشنفکری و مطبوعاتی جهان

نیز به حمایت از حرمت قلم و آزاد اندیشی و به منظور مقابله با ترور فکری با ترتیب دادن تظاهرات و شب های فرهنگی به حمایت از سلمان رشدی پرداختند. نامه سرگشاده ای از طرف هیأتی از نویسندگان و روشن فکران فرانسوی به ریاست کلود لفرور فیلسوف فرانسوی به دفاع از سلمان رشدی نوشته شد و به سفارت خانه های جمهوری اسلامی در پاریس و بطور همزمان در چند پایتخت دیگر از جمله لندن و واشنگتن و یاد فاطر حفظ منافع کشور تسلیم گردید. در این روز قرار بود که جایزه ادبی اروپا به سلمان رشدی داده

### بدنبال تیراندازی به رفسنجانی

### وزارت اطلاعات گروههای سیاسی و مطبوعات را تهدید می کند

روز دوشنبه ۱۸ بهمن ماه، علی فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت رژیم، در یک مصاحبه راد یویی پیرامون حادثه تیراندازی ۱۲ بهمن به سوی هاشمی رفسنجانی توضیحاتی داد. وی مدعی شد حدود ۲۰ نفر در رابطه با این تیراندازی دستگیر شده اند که اینها ادعاهای بد سابقه، کم اعتقاد یا بی اعتقاد و لاپابلی و فاسد بوده اند. به گفته وزیر اطلاعات فرد سوء قصد کننده

کورش نیک اختر نام دارد. که بیش از همه تحت تأثیر فرد دیگری بنام مرتضی مهرپور بوده است. مهرپور قبل از انقلاب در شهر یانی کار میکرده، بعد از انقلاب پاکستانی شده و به "گروهک فدایی خلق" پیوسته و سپس منفعل شده است. وزیر اطلاعات در توضیحات خود، مدعی شد که در میان دستگیر شدگان کسانی بوده اند که وابستگی گروهکی داشته اند.

ادامه در صفحه ۹

### در این شماره:

### جنبش فدائیان خلق، گذشته و حال

در صفحه ۷

### نشریه مجاهد

### در تحریف حقایق تا کجا پیش رفته است؟

در صفحه ۸

ادامه در صفحه ۹

یادداشت

به سوی "تشریح غلیظ"

از نقطه نظر موقعیت جناحها و دستجات درون حکومت اسلامی، برکناری محمد هاشمی از ریاست راد یوتلویزیون را آشکارا باید قیچی کردن بال رفسنجانی تلقی کرد.

با حداث بحران و موقعیت دشواری که حکومت و کل نظام اسلامی در آن گرفتار است، بنظر می رسد کشا کتها در درون هیات حاکمه تخفیف یافته و مصالح عمومی نظام بر مصالح جناحی و گروهی چربیده باشد، اما چنین نبوده و کشمکش ها به اشکال گوناگون و پیچیده تری ادامه دارد.

با این همه انگار ناله های رفسنجانی راهی به دل حزب الله ندارد. چنانچه، در مراسم ۲۲ بهمن حزب الله با تاکید اعلام کرد که رهنمودهای رهبر معظم باید پایه و اساس سیاست داخلی و خارجی حکومت اسلامی قرار گیرد.

گروه بازار - روحانیت حکومت که پیرامون علی خامنه ای گرد آمده اند، بسیار رنگ تر از کار درآمدند، آنان در عین داشتن رُست حمایت از رفسنجانی زیر کانه آثار و پیامدهای شکست رژیم را تماما به سوی رفسنجانی رد و ولت اوسوق می دهند.

تغییر توازن بازم بیشتر قدرت بزیران رفسنجانی تنها یک جنبه از پیامدهای برکناری محمد هاشمی از ریاست راد یوتلویزیون است. جنبه دیگر آن، غلبه آن گرایش در سیاستهای فرهنگی رژیم اسلامی است که سطره کامل "شرع بر فرهنگ جامعه و همه رسانه های گروهی فرهنگی - تبلیغاتی کشور را هدف خود قرار داده است.

یک جنبش ...

ادامه از صفحه ۱

ساخته اند. تاریخ نشان می دهد که چنین نظامهای دیکتاتوری، غیر مردمی و سرکوبگر هرگز دوام نخواهند داشت.

فروهر از روحانیون حاکم خواست به شکلی آرام از قدرت دست کشند و بگذارند یک نظام دموکراتیک جایگزین شود تا ملت از گردابی که پس از برکسی نشستن روحانیون تشنه قدرت بدان گرفتار شده نجات یابند.

حزب ملت ایران، که داریوش فروهر آنرا رهبری می کند، در سالهای اخیر بر فعالیت های خود افزوده و مواضع انتقادی آشکاری علیه حکومت اتخاذ کرده است. اما مصاحبه اخیر فروهر با روزنامه انگلیسی ایندپندنت که در سالگرد انقلاب انجام شد، تندترین موضع رهبر ۶۵ ساله این حزب در برابر حکومت اسلامی به شمار می آید.

گالیندویل :

در ایران ...

ادامه از صفحه ۱

نکرده و بپگرد، شکنجه و اعدام مخالفان و دادگاههای مخفی بدون حضور وکیل مدافع برای متهمان همچنان ادامه دارد.

گالیندویل ضمن اشاره به شمار زیاد اعدامها در جمهوری اسلامی گفته است که تنها طی سه ماه گذشته بیش از ۳۵۰ نفر اعدام شده اند.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی درواکنش رسمی نسبت به گزارش گالیندویل همانند سابق گفت که این گزارش مغرضانه و بر اساس گزارشات مخالفان جمهوری اسلامی تهیه شده است.

وزارت خارجه در این جوابیه از اعدام هادرایران دفاع کرده و گفته است ما بر اساس قوانین خود با مجرمان رفتار می کنیم. وزارت خارجه وجود زندانی سیاسی و عقیدتی در ایران را منکر شده و گفت ما در ایران زندانیان عقیدتی نداریم.

ارزیابی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از اوضاع کنونی کشور

حکومت اکنون در مقابله با بحران حادی که شیرازه اقتصاد کشور را در معرض تلاشی قرار داده است، راه تکیه بر سرنیزه و اعمال فشار بر مردم را در پیش گرفته و مردم را به سخت کردن کمربند ها و ماموران انتظامی را به تیز کردن سرنیزه ها فرا خوانده است.

سیاست های جمهوری اسلامی جامعه را به سوی انفجار می کشاند و سرانجام حوادث همچنان ناروشن است. وضع به گونه ای است که انواع مخاطرات آینده کشور را تهدید می کند.

جمهوری مبتنی بر دمکراسی پارلمانی به جای حکومت فعلی را مناسب ترین راه برای گشودن مسیر آزادی، عدالت اجتماعی، پیشرفت و توسعه واقعی کشور میدانیم.

مانه به آنان که از حکومت فعلی دفاع میکنند، نه با آنان که در آرزوی بازگشت به گذشته هستند و نه با دیگری که آشکارا اشکال تازه ای از استبداد را تدارک می بینند، موافق و همصدان نیستیم و هیچ کدام از اینگونه راه حل ها راه نجات کشور بحران زده مان نمی شناسیم.

در موقعیت خطیر کنونی که بحران کشور را در چنبره خود گرفته است، این وظیفه بیش از پیش ضرورت یافته که جمهوریخواهان دموکرات به عنوان یک نیروی متحد در جامعه ایران ظاهر شوند، راه حل پیشنهادی خود برای برون رفت کشور از بحران را با جدیت بیشتری مطرح سازند و در ذهن مردم سرخورده از این حکومت، اندیشه جمهوری مبتنی بر دمکراسی به عنوان جانشین نظام جمهوری اسلامی را تقویت کنند.

ما همه جمهوریخواهان دموکرات داخل و خارج از کشور را به هماهنگ ساختن فعالیتهای خود، مشکل شدن و دست یابی به منشور سیاسی مشترک فرامی خوانیم.

به اعتقاد ما پیکار متشکل جمهوریخواهان در راه آزادی و حقوق بشر و گردآوری هر چه وسیعتر نیرو برای عقب نشاندن استبداد و تاثیر گذاری بر حوادث در مسیر دمکراسی، وظیفه مبرم کنونی است.

ما همچنین بر ضرورت اتحاد عملهای وسیع همه نیروها بیکه در داخل و خارج از کشور علیه استبداد و در راه حقوق بشر و آزادی مبارزه می کنند، تاکید می کنیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بهمن ماه ۱۳۷۲

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آخرین نشست خود که در روزهای ۲۳ و ۲۴ بهمن ماه برگزار شد، اوضاع بحرانی کشور و اقدامات سیاسی ضرور شرایط کنونی را مورد بررسی قرار داد و سندی را تحت عنوان "ارزیابی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از اوضاع کنونی کشور" به تصویب رساند که متن آن را در زیر می خوانید:

کشور ما در بحران و رکود اقتصادی سنگینی بر سر می برد و متاثر از آن حیات اجتماعی کشور و زندگی و معیشت اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان زیر فشار خرد کننده ای قرار گرفته است. طی سالهای پس از جنگ بیش از صد میلیارد دلار از درآمد ارزی حاصل از فروش ثروت ملی کشور یعنی نفت، هزینه شده، بی آنکه مشکلی از پیش پای جامعه بر داشته شود.

در این مسکنت عمومی تنها ۲ درصد جامعه به ثروت و مکنت باد آورده دست یافته اند. در این سالها، آنچه زیر عنوان فریبنده برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به اجرا درآمد، باز کردن درهای کشور به روی واردات و اشیاء با بازار انواع کالاها و مصرفی ولو کس خارجی بوده که تنها حاصل آن جیبهای باد کرده تجار و دلالان می باشد. نه سرما به گذاری مهم و موثری صورت گرفته و نه چیزی به توان تولیدی کشور افزوده شده است و امروز که بهای نفت در بازارهای جهانی سقوط کرده و درآمدهای ارزی کشور بشدت کاهش یافته است، دروغهای حکومتیان درباره رشد و توسعه ضایع به تمامی از پرده افشاده و وضع فلاکت با اقتصاد کشور و وابستگی کامل آن به دلارهای نفتی به طور کامل آشکار گشته است.

شکست خستی که برنامه های دولت دچار آن شد و پیامدهای ناگوار و مصیبت بار آن را باید مردم مصیبت دیده تحمل کنند، نتیجه سیاستهای زمامداران رژیم در اداره کشور است. رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب و رواندن همه نیروها و شخصیت های ترقیخواه و ملی و مدبران و متخصصان کارآمد و مسئول از صحنه سیاسی و هر گونه مشارکت در اداره امور کشور و جلوگیری از هر گونه کنترل اجتماعی بر کار دولت و حکومت، سرنوشت کشور را تابع تمایلات گروهی قرار داد که دغدغه همه چیز دارند جز منافع و مصالح کشور و مردم شورا بهت ایران.

در سیاست خارجی نیز کارنامه رژیم جز این نیست. پیامدهای سیاست خارجی ماجراجویانه و ضد ملی حاکمان باری مضاعف بردوش مردم ماست. کشور ما و مردم ما به ناحق باید تاوان انزوا بی را بپردازند که قانون شکنی ها و ماجراجویی های رژیم اسلامی در مناسبات بین المللی به بار آورده است.

کنترل قشریون ...

ادامه از صفحه ۱

اقدام که آنرا غیر قانونی خواندند، بشدت اعتراض کردند و روابط این دو ارگان بیش از پیش تیره شد.

این کشمکش در آن زمان فروکش کرد ولی مدتی بعد شایعه برکناری محمد هاشمی شدت گرفت. تا اینکه هفته گذشته خامنه ای طی حکمی، محمد هاشمی را برکنار و شورای سیاست گذاری صدا و سیما را منحل نمود و لاریجانی را در راس این سازمان گمازد.

خامنه ای در این حکم، خطوط اساسی برنامه فعالیت صدا و سیما را معین کرد. مأموریت های صدا و سیما را مقابله با تهاجم فرهنگی و خیرگی استکبار، اعلام نمود و اظهار داشت که شرایط امروز کشور نیازمند آنست که دستگاه تبلیغاتی صدا و سیما سیاستی نوین و متناسب با پیشرفت کشور در پیش گیرد و فضای فرهنگی جامعه را با اصول انقلاب و مبانی اسلام تجهیز کند. صدا و سیما باید از نمایش های سبک و بی مغز و گمراه کننده و از بخش موسیقی پرهیز کند. او در عین حال صدا و سیما را به همکاری با

سازمان صدا و سیما را به حضور پذیرفت و از محمد هاشمی قدر دانی کرد.

بدنبال این برکناری و برگماری، هاشمی رفسنجانی، مصطفی میر سلیم را بعنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی جهت اخذ رای به مجلس شورا معرفی کرد. میر سلیم قبلا سمت های معاونت سیاسی و اجتماعی وزارت کشور، سرپرستی شهرداری کل کشور، مشاورت عالی رئیس جمهور و سرپرستی نهاد ریاست جمهوری را بر عهده داشت. محمد هاشمی نیز طی حکمی از جانب علی اکبر لاریجانی، بعنوان معاونت اول وزات امور خارجه برگزیده شد. قبلا شایع بود که او پست نمایندگی رژیم اسلامی در سازمان ملل را بعهده خواهد گرفت. در عین حال در این تغییرات مصطفی هاشمی طبا و سید محمد میر محمدی بعنوان معاونین رئیس جمهور منصوب شدند. هاشمی طبا که معاون وزیر بازرگانی و رئیس مرکز توسعه صادرات ایران بود، به جای دکتر حسن غفوری فرد به ریاست سازمان تربیت بدنی برگزیده شد. سید محمد میر محمدی که رئیس دفتر ریاست جمهوری است نیز به جای منصور رضوی به ریاست سازمان اداری و استخدامی منصوب

حوزه های علمی دعوت کرد و خواست که در تولید برنامه ها، از همکاری نهادهای فرهنگی کشور مانند وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه هنری وابسته به آن بیشترین بهره گرفته شود. پیام خامنه ای آشکارا بیانگر نارضایتی او از عملکرد تا کنونی صدا و سیما بود.

برکناری محمد هاشمی و انتصاب لاریجانی بجای او، مورد استقبال اکثریت نمایندگان مجلس، سازمان تبلیغات اسلامی، حزب الهی ها و برخی روزنامه ها قرار گرفت. ۱۷۰ تن از نمایندگان مجلس طی نامه ای از خامنه ای بخاطر انتخاب دکتر لاریجانی به سمت رئیس سازمان صدا و سیما قدر دانی کردند و سازمان تبلیغات اسلامی، برای همکاری با مدیریت جدید صدا و سیما اعلام آمادگی کرد. محمد محمدی رئیس این سازمان، حکم اخیر خامنه ای را "منشوری عرشی برای آینده این سازمان تلقی کرد". بدنبال این تغییرات، خامنه ای مسئولان و مدیران ارشد

گردیده است.

در این تغییرات، آنچه برجسته است برکناری محمد هاشمی و انتصاب لاریجانی به جای وی بعنوان رئیس صدا و سیما است. جناح بالا خره توانست بر صدا و سیما نیز چنگ بیاندازد و آنرا از انحصار هاشمی رفسنجانی بیرون آورد.

ارزش ریال ...

ادامه از صفحه ۱

دارد. در فاصله این سه ماه ارزش ریال نسبت به دلار امریکا حدود ۶۵ تومان کاهش یافته است. پیش بینی کارشناسان در داخل کشور این است که اگر دولت اقدامی نکند که عملاً نیز قادر به اقدام اساسی نیست ارزش برابری ریال در برابر دلار امریکا بزودی تا مرز ۲۸۰ تومان خواهد رسید. گفته میشود یکی از عوامل مؤثر در سقوط اخیر ارزش ریال، تصمیم دولت برای خودداری از فروش ارز به وارد کنندگان کالاهاست. بنابه این تصمیم، وارد کنندگان باید ارز مورد نیاز خود را از طریق صادرات کالا و یا از طریق بازار آزاد بدست آورند. شرکتهای مؤسسات دولتی از این تصمیم مستثنی هستند.



### به خاطر آزادی ترویستهای ایرانی

## سوئیس از دولت فرانسه شکایت کرد

اواسط هفته گذشته دولت سوئیس شکایت خود نسبت به اقدام دولت فرانسه مبنی بر آزادی دو شهروند ایرانی متهم به شرکت در ترور کتر کاظم رجوی را در اختیار شورای اداری فرانسه عالی‌ترین ارگان قضائی این کشور قرار داد. دولت سوئیس خواستار استیفاء شد و اعلام داشت که دلائل دولت فرانسه در آزادی دو ترویسست دولتی جمهوری اسلامی را کافی نمی‌داند. آزادسازی این دو ترویسست که چند هفته پیش و به طور غیرمنتظره‌ای از سوی دولت فرانسه به وقوع پیوست، موجی از حیرت و اعتراضات وسیع جهانی را متوجه دولت این کشور کرد.

پیرامون ناآرامی‌های رخ داده در زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان که به بخشهای دیگر این استان نیز سرایت کرد، خبرهای تازه ای می‌رسد. بنا به گزارشهای رسیده، روز ۱۵ بهمن (۴ فوریه) نیروهای انتظامی زاهدان اقدام به دستگیری تعداد بسیاری از جوانان کردند. به نظر می‌رسد این دستگیریها به منظور جلوگیری از تظاهرات احتمالی دیگر بوده است. این در حالی است که دستگیرشدگان تظاهرات روز سه شنبه ۱۲ بهمن هنوز آزاد نشده بودند.

همچنین خبر می‌رسد که تاکنون اجساد سه تن از جانبائختگان ناآرامی‌های اخیر به خانواده‌های آنان تحویل داده شده است.

## اوضاع بلوچستان هنوز بحرانی است

در شهر "سراوان" که در جنوب شرقی استان سیستان و بلوچستان واقع است، مردم در روز ۱۶ بهمن (۵ فوریه) در اعتراض به کشتار مردم زاهدان و به دعوت روحانیون سنی دست به اعتصاب عمومی زده‌اند که در جریان آن تمامی فروشگاه‌ها، ادارات و مراکز عمومی شهربسته شد. در شهرهای زاهدان، ایرانشهر، تربت جام، نیک‌شهر، خاش و سرباز نیز اعتراضات پراکنده مردم ادامه داشته است.

خبرهای دیگر حاکی از آن است که طی یک درگیری در جاده زاهدان-زابل ۴ نفر کشته و ۳ سرباز مفقود شده‌اند. در یک درگیری در جاده نیک‌شهر ایرانشهر نیز تعداد کثیری کشته و زخمی شده‌اند.

### خبرهای کوتاه

## اختیارات تازه برای وزیر کشور

بشارتی وزیر کشور جمهوری اسلامی از سوی خامنه‌ای به عنوان جانشین فرمانده کل قوا در نیروی انتظامی برای مدت ۳ سال منصوب شد. دلیل این انتصاب افزایش قدرت عمل وزیر کشور در ایجاد "امنیت" ذکر شده است.

## مانور یکان ویژه پاسداران در تهران

هفته‌ی گذشته در تهران یکان ویژه‌ی پاسداران ناحیه‌ی انتظامی تهران بزرگ یک مانورشش مرحله‌ای برگزار کرد. یکی از فرماندهان نیروهای انتظامی قبل از آغاز مانور گفت که این یکان ویژه آماده است با هر گونه توطئه احتمالی دشمنان انقلاب "مقابله کند. وی گفت این یکان برای مقابله با شورش‌ها آموزش تخصصی دیده است. برگزاری این مانور بدنبال وقایع زاهدان و تظاهرات اعتراضی مردم در تهران بر علیه گرانی نوعی قدرت نمایی رژیم تلقی می‌شود.

## نماینده نجف آباد: منتظری مرجع تقلید ماست

حسن مختاری نماینده نجف آباد در مجلس شورای اسلامی روزنامه‌ها و افرادی را که از آیت الله منتظری بدگویی می‌کنند مورد انتقاد قرار داد و از مقامات رژیم خواست که جلوی این کارها را بگیرند. وی گفت که این کارها نه به مصلحت نظام است و نه به مصلحت روحانیت و افزود که در جامعه‌ی ما تقلید از کسی جرم نیست و مردم نجف آباد علاقه شدیدی به آیت الله منتظری دارند.

## بشارتی: به فعالیتهای حزبی مجوز می‌دهیم!

وزیر کشور اعلام کرد از ۴۰۰ تشکیل سیاسی و صنفی که درخواست رسمی فعالیت کرده‌اند، به ۷۶ تشکیل اجازه فعالیت داده شده است. بشارتی گفت: اعتقاد به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی مبنای فعالیت قانونی در کشور است. بشارتی نگفت به چه تشکلهایی اجازه فعالیت داده است، اما تنها انجمن‌های اسلامی و تشکلهایی نظیر آنها هستند که در ایران از حق فعالیت قانونی برخوردارند.

## ورود ویدئو و دوربین ویدئو آزاد شد

هیات وزیران طبق مصوبه‌ای ورود ویدئو و دوربین ویدئو توسط مسافران ایرانی و غیر ایرانی که از خارج از کشور یا مناطق آزاد تجاری صنعتی به کشور می‌آیند آزاد اعلام کرد. این مصوبه در اجرای ماده ۱۷ قانون مقررات صادرات و واردات و اصلاح بند ۹ ماده ۲۷ قانون امور گمرکی به تصویب رسیده است.

## در ایران هر ۱۷ ثانیه یک نوزاد متولد می‌شود

بر اساس آمارهای ارائه شده در هر ۱۷ ثانیه یک نفر به جمعیت ایران افزوده می‌شود.

معاون بهداشتی سازمان بهداشت و درمان استان خوزستان با اعلام این مطلب در سمینار کنترل جمعیت و تنظیم خانواده اعلام کرد که جمعیت ایران در ۲۵ سال اخیر سه برابر افزایش یافته و پیش‌بینی می‌شود در ۲۵ سال آینده این تعداد به ۱۲۵ میلیون نفر برسد.

## آغاز کار تا کسی‌های زنانه در تهران

تا کسی‌های مخصوص خانم‌ها در تهران شروع به کار کردند. در این طرح که فعلاً بطور آزمایشی اجرا می‌شود، در اولین مرحله ۳۰۰ تا کسی‌به این امر اختصاص یافته است که در صورت استقبال مردم به تعداد آنها افزوده خواهد شد. تا کسی‌های مخصوص بانوان قرمز سفید رنگ آمیزی شده‌اند و از تا کسی‌های نارنجی رنگ متمایز هستند. راننده تا کسی‌های زنانه، مرد هستند و گویا قرار است برای خانم‌ها نیز در آینده جواز تاکسیرانی صادر شود.

## سکه ۲۵۰ ریالی به گردش افتاد

بانک مرکزی جمهوری اسلامی در اثر کاهش مداوم ارزش ریال و بالا رفتن تورم اخیراً به پخش سکه‌های ۲۵۰ تومانی دست زده است. این سکه‌ها که از ایلانز مس، آلومینیم و نیکل ساخته شده‌اند، ۲۸ میلی‌متر قطر دارند.

## هشدار نیروی انتظامی به مناسبت ماه رمضان

ماه رمضان از ۲۳ بهمن ماه آغاز شد. روابط عمومی نیروی انتظامی با انتشار اطلاعیه‌ای، نسبت به "حفظ شعائر اسلامی در اماکن عمومی هشدار داد. نیروی انتظامی اعلام کرد که کلیه اماکن پذیرایی که به نوعی در آن مواد خوراکی و آشامیدنی ارائه می‌گردد، از اقبال صبح تا اذان مغرب می‌بایز به فعالیت نمی‌باشند.

## تاسیس دانشکده برق و کامپیوتر

گروه برق دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران اخیراً به دانشکده‌ی برق و کامپیوتر تغییر نام یافت. قبلاً نیز گروه فیزیک دانشگاه تهران به دانشکده‌ی فیزیک تبدیل شده بود. این تصمیمات به پیشنهاد دانشگاه تهران و با تصویب دفتر گسترش آموزش عالی جمهوری اسلامی صورت گرفته است. این عمل ظاهراً با هدف گسترش فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی در کشور انجام شده است.

## اعتراض جهانی به...

ادامه از صفحه ۱

بدترین حرف‌ها را در کتابش آزادانه بزند، اما ناراحت هستند که علمای اسلام نظرشان را در مورد کتاب و نویسنده آن بیان کنند.

تاطق نوری در مصاحبه با بی‌بی‌سی گفت: "ما به کسی نگفته ایم که او را بکشید ولی او از نظر شرعی مهدورالدم است." خامنه‌ای نیز در مقام رهبر جمهوری اسلامی یاد دیگر لزوم اجرای فرمان را مورد تأکید قرار داد. بشارتی وزیر کشور رژیم نیز از مسلمانان جهان خواست که در اجرای فرمان قتل سلمان رشدی از هیچ کوششی فروگذار نکنند.

سؤال اینجاست که چرا باید سرنوشت سیاست و مناسبات خارجی یک کشور در جهان امروزین در گروی معتبر یا نامعتبر بودن یک فرمان باشد؟ چرا حکومتگران تهران برای زنده نگاهداشتن این پیام این همه تلاش می‌ورزند؟ مگر خمینی برای مصلحت نظام و برای خاتمه‌ی جنگ جام زهر نوشید؟ مگر این خمینی نبود که در قضیه‌ی موسوم به ایران گیت پابرووی تمام گفته‌های پیشین خود گذاشت و با "شیطان بزرگ" معامله کرد؟ حکومتگران تهران شاید روزی سرانجام مجبور شوند این فرمان ترویسستی را نیز پیش بگیرند، اما تا آن زمان این کشور ماست که باید بهایی گراف بپردازد.

شود که وی از آنجا که دولت اتریش نتوانست به ایشان تضمین جانی دهد، در مراسم حضور پیدا نکرد. در این رابطه یک شب ادبی به همراه مصاحبه مطبوعاتی از جانب چهار روزنامه نگار برجسته آلمانی و فرانسوی با سلمان رشدی برگزار شد.

در این مصاحبه سلمان رشدی مطلب مهم و تازه‌ای را عنوان کرد و آن اینکه قضیه در واقع به توهین به اسلام بر نمی‌گردد و این امر اصلاً و بهیچ شکل قابل اثبات نیست و اصل موضوع طرح کردن خمینی‌بشکل سمبلیک در زمانی که هنوز شاه در ایران حکومت می‌کرد، بوده است. او گفت که انتظار ندارد که رژیم تهران این حکم را بدون فشار ملغی کند و تنهارا می‌تواند مشروط کردن روابط اقتصادی از طرف کشورهای اروپایی و آمریکایی به لغو فتا باشد.

مواضع رژیم تهران در پاسخ به اظهارات سران کشورهای جهان کماکان مایوس کننده بود. لاریجانی نایب رئیس کمیسیون سیاست خارجی که در کنفرانس مذهب و سیاست درد هلی‌نو شرکت کرده بود در مورد فرمان فوق‌الذکر گفت: "موضع روشن فکران غربی در حقیقت قضیه‌ی شتر مرغ است. من تعجب می‌کنم که چگونه آنها این همه سینه چاک می‌کنند که رشدی بتواند

## سایپای تهران قهرمان فوتبال ایران شد

تیم فوتبال سایپای تهران علیرغم شکست در آخرین دیدار



خود در برابر تیم پاس، قهرمان جام آزادگان - مسابقات فوتبال سراسری ایران شد. قهرمانی تیم سایپا از پیش قطعی شده بود. تیم پاس موفق شد با دو گل از سد قهرمان بگذرد. این دومین شکست سایپا در ۲۶ مسابقه خود بود. تیم سایپا با ۳۴ امتیاز قهرمان شد و تیمهای پیروزی تهران و جنوب اهواز با ۳۱ امتیاز به

## ۲۲ رکورد شنای کشور جابجا شد

دست یابند. در جریان مسابقات دهه فجر، که با حضور چند تیم خارجی برگزار شد تیمهای ملی واترپلو و شیرجه ایران به مقام قهرمانی رسیدند و شناگران کشورمان عنوان دوم را بدست آوردند.

شناگران ایران، در جریان مسابقات دهه فجر، ۲۲ رکورد کشور را جابجا کردند. این رکورد شکنی‌ها نتیجه تلاش شناگران ایرانی بود که خود را برای حضور در بازیهای آسیایی هیروشیما آماده می‌کنند. تاکنون ۶ شناگر ایرانی توانسته‌اند به رکوردهای ورودی این مسابقات

## اسامی کشتی‌گیران اعزامی

### به جام جهانی کانادا اعلام شد

اعزامی‌ها به کانادا به ترتیب عبارتند از: ۴۸ کیلو: ناصر زینل‌نیا، ۵۷ کیلو: علی اکبر دودانگه، ۶۲ کیلو: رضا صفایی، ۶۸ کیلو: داود فتنبری ۷۴ کیلو: بهروز باری و عیسی مؤمنی، ۸۲ کیلو: امیررضا خادم، ۹۰ کیلو: رسول خادم، ۱۰۰ کیلو: ایوب بنی‌نصرت، ۱۳۰ کیلو: ابراهیم مهربان، در ۵۲ کیلو از میان غلامرضا محمدی، کریم سوری و بهنام طیبی یک نفر انتخاب خواهد شد.

کمیته فنی فدراسیون کشتی، اسامی کشتی‌گیران آزاد اعزامی به جام جهانی کانادا را اعلام کرد. مسابقات جام جهانی کانادا در روزهای ۴ تا ۶ فروردین با شرکت تیمهای ملی ایران، آمریکا، روسیه، کوبا، کانادا و ترکیه برگزار خواهد شد. سال گذشته کشتی‌گیران ایران بدلیل آنکه دولت آمریکا از دادن ویزا به آنها خودداری کرد، نتوانستند در این مسابقات که در آمریکا برگزار شد، شرکت کنند. کشتی‌گیران

### بودجه سال ۷۳ قبل از آنکه تصویب شود، خرج شده است

آقای غرضی وزیر پست و تلگراف گفت مجلس شورای اسلامی بودجه مخایرات را تقریباً به نیمی از آنچه که پیش بینی شده بود کاهش داده است ولی با توجه به این تجهیزات به کارخانه ها داده شده است ما باید برای رسیدن به هدف های بودجه سال ۷۳ کوشش کنیم.

وی اضافه کرد: در صنایع مخایراتی حدود ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر کار می کنند که اگر برنامه توسعه مخایرات را کدیمانند این شغل ها از دست می رود. ما برای اینکه این شغل ها از بین نرود با تعویق پرداخت به طرف های قرارداد طرح ها را بر اساس بودجه ۷۳ انجام می دهیم. آقای غرضی می خواهد بگوید اگر مجلس بر اثر خط بازی ها نتوانسته است به موضوع اشتغال و اهمیت مسئله ارتباطات پی ببرد مهم نیست ما هم همان مقدار ۵۰ درصد تصویب شده بودجه را خرج می کنیم و بقیه را در سال آتی خواهیم پرداخت و یا به عنوان کسری بودجه قلمداد خواهیم کرد. واقعیت اینست که برای صنعت ارتباطات باید از پیش سفارش خرید داد و نباید دست روی دست گذاشت و بعد از تصمیم مجلس به کار پرداخت. اما سئوالمی که می ماند اینست که در کدام نظام ۵۰٪ بودجه پیش بینی شده برای یک طرح قلم خواهد خورد؟

### مخالفت آمریکا با تمدید بدهی های ایران از سوی اروپا و ژاپن

روزنامه های داخل به نقل از هفته نامه "مید" چاپ لندن و خبرگزاری ژاپنی کیودو اعلام کردند که علیرغم مخالفت آمریکا، ژاپن و آلمان در روند زمان بندی بدهی های کوتاه مدت ایران هستند و در همانجا به نقل از "مید" آمده است که بانک های خصوصی اروپایی و ژاپنی تاکنون سررسید ۲/۵ میلیارد دلار از بدهی های عقب افتاده ایران را که حتماً باید تضمین صادرات بودند، تمدید کرده اند. لازم به یادآوری است که در جریان نشست هفت کشور صنعتی جهان در توکیو، آمریکا به صراحت از سران کشورهای اروپایی و ژاپنی خواسته بود که بدلیل حمایت رژیم ایران از تروریسم و تلاشش برای خرید تسلیحات بیشتر روابط اقتصادی و سیاسی شان را با ایران کم کنند.

### واگذاری سهام به کارگران و مدیران

بر اساس مصوبه ی شورای اقتصاد کارگران و مدیران می توانند صد درصد سهام دولت را خریداری کنند. بر اساس این مصوبه کارگران و مدیران واحدهای تولیدی در خرید ۶۷ درصد سهام متعلق به دولت بطور اقساطدار و اولویت قرار دارند. این علاوه بر ۳۳ درصد سهامی است که قبلاً تصویب شده بود با قیمت میانگینی در اختیار کارگران و کارمندان واحدهای تولیدی قرار گیرد.

## بودجه، نقدینگی و تورم

● علی نقی خاموشی: بودجه سال ۷۳ حدود ۵۰ الی ۶۰ درصد تورم در پی خواهد داشت

● زارعی نماینده مجلس: بریده های دولت به سیستم بانکی افزوده خواهد شد

دربودجه سال آینده - که بررسی آن توسط مجلس شورای اسلامی هنوز به پایان نرسیده، تمام کوشش دولت و هم چنین نمایندگان مجلس این بود که پیش بینی هزینه های دولت طوری باشد که پیامدهای اجتماعی بحران حاد کنونی در اقتصاد کشور را تا حد ممکن کنترل و کاهش دهند. با این هدف، تنظیم بودجه سال آتی به گونه ایست که اشتغال در کشور، در سطح کنونی حفظ شود و جلوی سقوط ناگهانی و بیش از پیش قدرت خرید مردم گرفته شود. به عنوان مثال با آنکه سوسید های دولتی برای کالا های مصرفی در یکی دو سال اخیر بتدریج در حال کاهش بود، هنوز حجم مبالغی که به عنوان سوسید جزو هزینه های دولتی است، رقم بسیار بالایی است. مثلاً دولت برای فرآورده های نفتی مورد مصرف در داخل کشور - آنطور که خود دولت می گوید - حدود ۱۱۰۰ میلیارد تومان سوسید می پردازد. چنین سوسیدی شامل نان و دارو نیز می شود. و با به رغم رکود در واحدهای تولیدی کشور که از این پس به علت کمبود منابع مالی بویژه ارزش خارجی و نیز عدم کشش بازار بدلیل افت شدید قدرت خرید مردم، تشدید خواهد شد، دولت قصد آن دارد جلوی بیکاری گسترده را بگیرد.

این کوشش ها با این هدف صورت می گیرد که جلوی انفجار

بودجه سال آینده بنا به گفته نمایندگان مجلس از افزایش بیش از ۵۰ درصد نسبت به بودجه سال ۷۲ برخوردار است. مطابق پیش بینی، ۵۸ درصد درآمدها از محل فروش نفت و مابقی از طریق مالیات و صادرات غیر نفتی تامین خواهد شد. اما با خوش بینانه ترین ارزیابی ها نیز این پیش بینی ها محقق نخواهد شد و دولت ناگزیر است برای تامین کسری بودجه به سیستم استقراض بانکی متوسل شود و چنین نیز کرده است. آنچه که در بودجه سال ۷۳ تسهیلات بانکی نام گرفته و رقم قابل ملاحظه ای را نیز تشکیل می دهد چیزی جز استقراض از بانک و به بیان روشن تر چاب بدون پشتوانه پول توسط دولت نیست. با این کار اگر چه شاید دولت موفق شود قدری از التهاب اوضاع بکاهد و امروز مهار



فارغ از فریادهای "مرگ بر آمریکا"ی حزب اله، زندگی در ایران هر روز بیشتر دلاری می شود

نارضایتی مردم که در اثر فشار بیش از حد مشکلات معیشتی و دیگر ناهنجاریهای اجتماعی به نهایت درجه رسیده است، گرفته شود. انفجاری که اگر آغاز شود، مهار آن برای رژیم دشوار و بی نتیجه خواهد بود. اینجاست که وضع دولت و رژیم در حال حاضر همانند آن گرفتار در بناتلاق است که با هر تکان، بیشتر در آن فرو می رود. نرخ تورم پیش بینی شده برای سال آینده در بودجه ۷۳، ۱۵ درصد است. اما در همان زمان، عادلای رئیس بانک مرکزی از ۲۵ درصد تورم برای سال آینده سخن می گوید. آستانه نماینده مجلس با توجه به

"تسهیلات بانکی" پیش بینی شده در بودجه سال آتی، که رقمی حدود ۵۵۴۷ میلیارد ریال می باشد، تورم ۳۰ درصدی را برای سال آینده پیش بینی می کند. اما علی نقی خاموشی نماینده مجلس شورای اسلامی و رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی می گوید بودجه سال آینده حدود ۵۰ الی ۶۰ درصد تورم در بر دارد.

تزیین پول به اقتصاد کشور حکایت فردا نیست. در تمام سالهای دولت میرحسین موسوی استفاده از سیستم استقراض بانکی یا چاب اسکناس معمول بود. در دوره دولت رفسنجانی نیز هر چند این کار اندکی کاهش یافت ولی قطع نشد. از یک سال پیش بدین سو که دولت با بحران و تنگنای مالی روبروست از قرضه بانکی برای پوشاندن شکافها و جبران هزینه ها استفاده کرده است. مطابق پیش بینی برنامه ۵ ساله نخست دولت، قرار بود میزان نقدینگی تا پایان سال ۷۲ به ۲۲ هزار میلیارد ریال برسد. ظاهراً این پیش بینی بر اساس ظرفیتهای تولیدی کشور که می بایست در طول برنامه احیا می شد یا گسترش می یافت، بوده است، لیکن بنا به گفته آستانه، نماینده مجلس رشد نقدینگی تا پایان امسال به ۴۵ هزار میلیارد ریال بالغ خواهد شد. با چنین وضعی دولت در نظر دارد با عملاً ناچار خواهد شد بخش قابل ملاحظه ای از هزینه های خود در سال آتی را نیز از طریق استقراض بانکی تامین نماید.

حاصل چنین سیاستی تورم کمربندی است که در ماههای آتی در انتظار مردم است. زارعی نماینده مجلس از بهبهان می گوید: تلاش دولت

## آیا اجلاس اوپک چاره ساز خواهد شد؟

دیدار با هشام ناظر وزیر نفت این کشور بر لزوم افزایش تماس بمنظور ایجاد هماهنگی بیشتر بین کشورهای عضو اوپک برای جلوگیری از سقوط قیمت ها تا کید کرد.

خبرگزاری قطر نیز از سفر قریب الوقوع وزیر نفت این کشور به سایر کشورهای اوپک به همین منظور گزارش داد. عراق نیز روز ۲۳ بهمن از کشورهای تولید کننده درخواست کرد که تولیدات خود را پایین بیاورند. وزیر نفت عراق گفت: افزایش بهای نفت در گرو کاهش تولید تمام کشورهای تولید کننده این محصول قرارداد دارد. او گفت کشورهای بزرگ تولید کننده مثل عربستان سعودی باید به این منظور به چنین سیاستی روی آورند. دولت عراق سعی می کند تا برای پیوستن دوباره به جرگه ی عرضه کنندگان نفت راهی بیابد. گفتنی است قبل از تحریم نفت عراق، این کشور روزانه ۳ میلیون و صد هزار بشکه نفت تولید می کرد.

وزیر نفت عمان اعلام کرد کشورهای تولید کننده غیر اوپک آماده اند تا تصمیمات آتی اوپک در مورد کاهش میزان سهمیه تولید هر یک از کشورهای تولید کننده نفت به منظور بالا بردن قیمت و سعی در ثبات بخشیدن به بازار بین المللی نفت را اجرا کنند. کشورهای عضو اوپک قرار است به منظور بررسی راه های افزایش قیمت نفت در ژنودر آینده نزدیک تشکیل جلسه دهند. برای دستیابی به راه های کسب حمایت سایر کشورهای غیر اوپک و جلب توافق اعضا، بر سر میزان کاهش سهمیه هر یک از اعضا هم اکنون تلاش هایی از طرف یک سری از کشورهای عضو اوپک صورت می گیرد. وزیر نفت نیجریه در چهارچوب اقداماتی که برای بالا بردن قیمت ها به عمل می آید روز جمعه ۲۲ بهمن (۱۱ فوریه) وارد عربستان سعودی شد. او قبلاً در قطر در مورد کاهش تولید تا میزان ده درصد با همتای خود گفتگوهای انجام داده بود و در عربستان در

### هشدار اتحادیه عرب

### نسبت به پیامدهای نامطلوب

### موافقت نامه گات

عرب حدود ۱۳ درصد کل تولیدات داخلی این کشورها را تشکیل می دهد و حدود ۱۷/۷ درصد از کل واردات جهان به محصولات کشاورزی اختصاص دارد که با توجه به مفاد قرارداد گات در آینده تا سه برابر افزایش خواهد یافت. این گزارش می افزاید تولیدات صنعتی غرب در چهارچوب قرارداد گات ضمن رقابت برای تسخیر بازارهای مختلف بر صادرات غیر نفتی کشورهای عرب از جمله محصولات صنعتی و خدماتی و انواع البسه، تولیدات نساجی و پوشاک، مواد خام، لوازم خانگی و مواد پروتئینی اثر خواهد گذاشت. همچنین بهای اجناس وارداتی از جمله فرآورده های پتروشیمی، کالاهای صنعتی، کاغذ، چوب و صنایع پلاستیک و فرآورده های کاغذ چوبی مورد نیاز بازار کشورهای عربی نیز به شدت افزایش خواهد یافت.

اتحادیه عرب در گزارشی که در باره اثرات قرارداد تعرفه و تجارت "گات" بر اقتصاد کشورهای عرب تهیه کرده و انتشار داده است، نسبت به پیامدهای نامطلوبی که این قرارداد بر تجارت کشورهای عربی، محصولات کشاورزی، خدمات، تولیدات فرهنگی، واردات صنعتی و تکنولوژی و افزایش میزان بیکاری در جهان عرب خواهد داشت، هشدار داده است.

در این گزارش آمده است: تولیدات کشاورزی جهان عرب در حدود ۱۵ درصد و تولیدات صنعتی حدود ۵ درصد از کل تولیدات جهانی را شامل می شود. بنا به این گزارش واردات کشورهای عربی در سال گذشته میلادی از اروپا ۴/۴ درصد، آسیا ۲۶/۶ درصد و آمریکای شمالی ۱۲/۹ درصد بوده است. در این گزارش همچنین آمده است تولیدات کشاورزی کشورهای

## رشد اندک اقتصاد جهانی در سال ۹۴

۲/۵ درصد انتظار می رود. اقتصاد مللی ژاپن از ۱/۵ درصد از رشد برخوردار خواهد شد در حالیکه در سال ۹۳ میزان نرخ رشد صفر بود. سه کشور بزرگ اروپایی آلمان، فرانسه و ایتالیا بر طبق نظر متخصصان مذکور از رشد اقتصادی ۱/۵ درصد در صد برخوردار خواهند شد. در جمع بندی فوق از ایران به عنوان کشور جدا گانه اسمی برده نشده ولی باید ایران را جزو کشورهای در حال توسعه قلمداد کرد و انتظار رشد حدود ۵/۵٪ را برایش داشت. وزیر اقتصاد ایران در مورد رشد تولید ناخالص مللی ایران گفت: با توجه به کاهش قیمت جهانی نفت ما توقع رشد تولید ناخالص مللی خود را کاهش داده و به رقم ۵/۴ درصد در سال ۷۴ محدود کرده ایم و این در حالی است که ایران در ده سال گذشته بطور متوسط از رشد ۳ درصد برخوردار بوده است.

اقتصاد جهانی بر طبق پیش بینی های متخصصان سازمان ملل در سال جاری با سرعت اندکی رشد خواهد کرد. این در حالی است که در سال ۹۳ میزان رشد از یک درصد بالاتر رفت. انتظار نرخ رشد به میزان ۲/۵ درصد در سال ۹۴ کمتر از نرخ فاز پیشرفت اقتصادی ضرور است. تکانه های لازم برای این رشد بر پیکره ی اقتصاد جهانی بر طبق انتظارات متخصصان سازمان ملل عمدتاً توسط کشورهای صنعتی خواهد بود که میزان رشد در آنها از حدود یک درصد در سال ۹۳ به اندکی بالا تر از ۲ درصد در سال ۹۴ باید برسد. اقتصاد مللی کشورهای اروپای شرقی در این سال به پایتترین حد متعنی رشد خواهد رسید و رشد کشورهای در حال توسعه در همان حد ۵/۵٪ بلا تغییر باقی خواهد ماند. در آمریکا میزان رشد به ۳٪ خواهد رسید و برای انگلستان حدود رشد ۲ تا

## پارلمان بین‌المللی نویسندگان

را شورای جهانی نویسندگان نهاده‌اند. رئیس این شورا سلمان رشدی است و اعضای آن عبارتند از: پیرو، برتن برایتن باخ، ژاک دریدا، کارلوس خورتنس، ادوارد گلیسانو و تونی مورسون، به گفته ژاک دریدا فعالیت شورای جهانی نویسندگان هیچ مغایرت و تباینی با تلاشها و اقدامات انجمن جهانی نویسندگان (PEN) و یا سازمان عفو بین‌الملل ندارد و هدف آن نوع جدیدی از حرکت و فعالیت است. برای مثال این شورا می‌کوشد که برخی از شهرها را به شهرهای آزاد برای نویسندگان تحت تعقیب بدل کند و بدینسان آنها را از خطر بگردو مرگ مصون دارد. شورای فوق پاییز امسال در لیسبون (پایتخت پرتغال) گردمی‌آید تا درباره اقدامات عملی مربوط به ایجاد چنین شهرهایی به شور و مشورت بپردازد.

رشدی خود نیز با انتشار بیانیه‌ای به نام "بیانیه استقلال" از قدرت هنر و بی‌قدرتی هنرمندان سخن گفت: "نویسندگان شهروندان کشورهای مختلفی هستند، (اول) شهروند کشوری که به لحاظ جغرافیایی و مرزی از دیگر کشورها جدا شده، در اواسط سال گذشته میلادی جمعی از نویسندگان نامدار جهان تصمیم گرفتند که برای مبارزه با تعقیب و آزار همکاران خود یک پارلمان جهانی برپا کنند. از جمله اعضای این پارلمان بین‌المللی نویسندگان "میتوان از ادونیس (شاعر لبنانی)، خورخه آمادئو، پاوول استر، مورس بلانشه، ژاک دریدا، محمد دیب، کارلوس خورتنس، کلاود یوماگرس، اکتاویو گراس، سلیمان رشدی، خوزه سارمانگو، سوزان زونتاک و آنتونی تابوکی نام برد.

در نوامبر گذشته ۶۰ تن از اعضای پارلمان فوق در استراسبورگ فرانسه گرد آمدند و بر ضرورت همبستگی جدی با

## بی‌سپه در دشت

پانزده ساله رفته ام میدان هشتاد ساله باز میگردد در راه می‌بینم از لولایتم مردی "کی مرده، کی زنده است آنجا؟"

آنجا، جائیکه سروها و صنوبرها گورشته‌ها را گرفته اند در بی‌خانواده آنجاست"

خرگوشها می‌چندند به درون - از حفره‌ای که برای سگان کردم تدروها می‌پرند از سرتوئها بالا در کشتزار میانه می‌روید غله خودرو در کنار چاه نخلیک خودرو

غله را میکوبیم و مینیم غذایی بار نخلیکان می‌چینیم و مینیم آبی بار آس و هدیه آماده اند آنک

باچه کس بخش میکنم غذا می‌را؟ میروم از دربرون و مینگرم در شرق اشک میبارد و خیس میکند لباسم را

یک شعر مردمی از سرزمین چین شاعر گنگام تاریخ سرایش چند صد سال پیش از میلاد مسیح برگردان: امیر مینیمی

سانسور فراموشی وارهاوند. برخی از نویسندگان تحت پیگرد به طریقی جان سالم به در خواهند برد، اما ما نمی‌توانیم با سکوت و بی‌عملی، پایان پیگرد آنها را به انتظار نشینیم. پارلمان بین‌المللی نویسندگان وظیفه خود می‌داند که در راه امنیت و آزادی نویسندگان که مورد آذیت و آزار قرار گرفته‌اند مبارزه کند و با کسانی درآویزد که آنها و آثارشان را سرکوب می‌کنند. این پارلمان همچنین با تاکید بر ناوابستگی خود از اوازه‌ها و کلامی سخن خواهد گفت که بدون آنها نوشتن، و نه تنها نوشتن، بلکه تخیل و رویا پردازی، و نه تخیل و رویا پردازی، بلکه اندیشیدن، و نه تنها اندیشیدن، بلکه خود آزادی ناممکن است.

## شصتمین سالگرد خاموشی سرود خوان آزادی

۱۳۰۰ به دست استعمارگران و عوامل داخلی آنها به قتل می‌رسند. همه این وقایع روزگار عارف را تیره و تار کردند. ولی اتفاق خراسان (قتل کلنل) کمر را شکست و قوای مرا به کلی تحلیل برد (دیوان عارف) در کتاب قیام کلنل محمد تقی پسیان (نوشته س. علی آذری) آمده است: "عارف پس از شهید شدن کلنل روحیه اش را به کلی باخت و راه صحرا در پیش گرفت و پس از چندی از کردستان سردر آورد.

کسم به شهر نیند شدم بیابان گرد زغصه کلنل وزغم خیابانی تصنیف "گریه کن که گریه خونی نم‌ندارد" که ابتدائاً توسط قمرالملوک وزیری و بعدتر بوسیله غلامحسین بنان اجرا گردید نیز از سروده‌های عارف در رثای کلنل پسیان است.

با به قدرت رسیدن رضا شاه و تبلیغ ایده جمهوری از سوی وی، عارف که از توطئه‌ها و دسیسه‌های پشت پرده خبرنداشت و رضا شاه را فردی مستقل می‌پنداشت، تبلیغ جمهوریخواهی او را جدی گرفت، روحیه انقلابی را باز یافت و با سلاح شعر و سرودش به میدان آمد: به زور بازوی جمهوری کز ضحاک گرفت داد دل خلق کاوه حداد کنون که می‌رسد از دور رایت جمهور به زیر سایه آن زندگی مبارک باد

با آشکار شدن جبهه واقعی رضا شاه و تحکیم دیکتاتوری وی عارف نیز به اشتباه خود بی‌می‌برد و دوباره علم مخالفت برمی‌افزاید. همین امر سبب تبعید او در سال ۱۳۰۵ از تهران می‌شود. وی سیاهکاری دوران رضا شاه را این چنین در زنگش افشا و نکوش می‌کند: به روزگار تو یک روز خوش به کس نکرفت خوشت میاد که این روز، روزگار نشد نریخت باده به دور تو در گلری کسی که در شکنجه، اندیشه‌ای خمارت نشد ز شاه سازی و در بار بازی این ملت مگر ندیدد و صد بار، بار بار نشد

عارف پس از تبعید از تهران چندی را در روستاهای بروجرد و دریند عراق به سربرد و از سال ۱۳۰۷ ساکن همدان شد. وی پس از سالها تلاش و مبارزه و پس از عمری آوازه خوانی در راه آزادی، سالهای آخر عمر را در حرمان و تنگدستی به سر آورد.

روز دوم بهمن ۱۳۱۲، عارف، آوازه خوان توده‌ها و نغمه سرای آزادی در حالی که از دیداد دوستمگری آوازه در سینه داشت، از جیران خدمتکار خوشی خواست که پنجره اتاق را بگشاید تا او دوباره خورشید و آسمان میهنش را تماشا کند. و چند ساعت بعد با چشمانی باز و منتظر بد رود حیات گفت:

قمرالملوک وزیری آوازه خوان آزاده ایران که چندی پیش از مرگ عارف به رغم خطرات، وی را ملاقات کرده

بهمن امسال ۶۰ سال از مرگ تلخ و ناگوار شاعر و آوازه خوان مردم ایران عارف قزوینی گذشت. ابوالقاسم عارف در سال ۱۲۵۹ در قزوین زاده شد و در آستانه انقلاب مشروطیت به سبب آشنایی با ملک الشعرای بهار و مشروطه طلبان گشت و به مبارزه انقلابی کشیده شد. بی‌شک آشنایی عارف با حیدر خان عمواوغلی در شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی و مبارزاتی عارف تأثیری عمیق داشته است. خود وی در این باره می‌نویسد: "با مرحوم حیدر خان عمواوغلی که شخصی بزرگ و چکیده انقلاب بود آشنائی داشتم و خصوصیت من با مرحوم حیدر خان در منزل همین میرزا سید باقر خان با نکی شد. صحبت آزادی در آنجا می‌شنیدم و هیچ نمی‌خواستم صحبت دیگری بشنوم. (دیوان عارف، انتشارات امیر کبیر)

عارف به پاس همین دوستی و به خاطر مبارزات حیدر خان یکی از زیبا ترین تصنیفهای انقلابی یعنی (از خون جوانان وطن) را به حیدر خان تقدیم کرده است: "این تصنیف در دوره دوم مجلس شورای ملی ایران در تهران ساخته شده است. به واسطه عشقی که حیدر خان بدان داشت میل دارم این تصنیف به یاد آن مرحوم طبع گردد." (همانجا)

با اوج گیری انقلاب مشروطیت روحی تازه در کالبد عارف دمیده می‌شود. او سرخوش از به میدان آمدن مردم می‌بیراید:

پیام دوشم از برمی‌فروش آمد بنوش باده که یک ملتی به هوش آمد ز خاک پاک شهیدان راه آزادی

بین که خون سیاوش چسان به جوش آمد با مسلط شدن دوباره ارتجاع بر کشور و فروکش کردن شعله‌های انقلاب، و با خلع سلاح شدن فدائیان ستارخان و فوت خود وی، عارف از جور روزگار به شکوه می‌نشیند و در کسرتی این غزل فریاد گونه خود را می‌خواند:

لباس مرگ بر اندام عالمی زیباست چه شد که کوه و زشت این قبا به قامت ماست ز حد گذشت تعدی، کسی نمی‌پرسد حد و خانه بی‌خانمان ما ز کیجاست چه شد که مجلس شورا نمی‌کند معلوم که خانه، خانه غیر است یا که خانه ماست خراب مملکت، از دست دزد خانگی است ز دست غیر چه نالیم، هر چه هست از ماست با امضای قرارداد ننگین ۱۹۱۹ با دولت انگلستان بوسیله وثوق الدوله و بروز قیام‌های شیخ محمد خیابانی و کلنل پسیان، عارف دوباره حال و هوایی تازه می‌یابد و با رفتن به مشهد در حلقه هواداران کلنل پسیان درمی‌آید و از هیچ همکاری با قیامگران خراسان دریغ نمی‌ورزد. شیخ محمد خیابانی در شهریور ۱۲۹۹، حیدر خان عمواوغلی در اوایل آبان ۱۳۰۰ و کلنل پسیان در ۱۹ آبان

## تحول سینمای ایران و چشم‌انداز آن برای سال ۲۰۰۰

انجمن پژوهشگران ایران نخستین سمینار امسال خود را به سینمای ایران اختصاص داد. این گردهمایی تحت عنوان "تحول سینمای ایران و چشم‌انداز آن برای سال ۲۰۰۰ با شرکت گروهی از سینماگران ایرانی، منتقدین و دست‌اندرکاران که عموماً در خارج از ایران بسر می‌برند، شنبه ۵ فوریه در پاریس برگزار شد.

پس از نخستین جشنواره "چشم‌انداز سینمای ایران در تبعید" - سولند، اکتبر ۱۹۹۳، چهارمین جشنواره فیلمهای ایرانی در شیکاگو و نهمین جشنواره فیلمهای ایرانی در پاریس، چنین هماهنگی از مهمترین رویدادهای سینمای ایران در خارج از کشور محسوب می‌شود. گردهمایی مذکور ادامه سینماهای سال گذشته انجمن پژوهشگران ایران بود که با عنوان کلی "ایران در آستانه سال ۲۰۰۰" برگزار شد و در مجموعه‌ای جداگانه نیز انتشار یافت.

گزارش حاضر، به دلیل گستردگی مباحث در این سمینار، به نکات مهم آن اشاره دارد.

سمینار با سخنرانی کوتاه آقای حسن لاجوردی، مسئول انجمن پژوهشگران ایران گشایش یافت. وی به اهداف انجمن و برنامه‌های آن پرداخت. آقای لاجوردی متذکر شد که عنوان کلی "ایران در آستانه سال ۲۰۰۰" از آن رو برگزیده شد که هدف انجمن نه فقط نقد گذشته و تحلیل حال که بررسی آینده نیز هست. غور در گذشته و شناسایی جایگاه کنونی انسان ایرانی، البته لازم ولی ناکافی است، باید چشم‌اندازی نیز بر آینده گشود. حسین لاجوردی همچنین هدف از بررسی سینمای ایران را اهمیت ویژه آن در ایران، به عنوان مقوله‌ای فرهنگی ذکر کرد.

جلسه صبح با مدیریت داریوش آشوری نویسنده و محقق کشورمان برگزار شد. در این قسمت ابتدا فرخ غفاری از سینماگران و منتقدین قدیمی ایران، بنیانگذار کانون ملی فیلم و فیلمخانه ملی ایران که اکنون مقیم فرانسه است، سخنن پیرامون چگونگی پیدایش سینما در ایران ایراد کرد. آقای غفاری از میرزا ابراهیم خان عکاسباشی اولین فیلمبردار ایرانی آغاز کرد و به اجمال از مهمترین دوره‌های تاریخ سینمای ایران و فعالیت شخصیت‌های

کلیدی آن (خان بابا معتضدی، عبدالحسین سپنتا، اوانس اوگانیانس، ابراهیم مترادی، اسماعیل کوشان و...) گذر کرد. وی با اشاره به نودوسومین سال بنیاد سینما در ایران، از ورود سینما به ایران به عنوان دلمشغولی در ایران و اشرف و سپس تغییر و تحول آن به مثابه هنری همگانی مردمی، اولین برخورد‌های مردم با این پدیده تازه و شیوه نمایش در سینماهای قدیمی تهران سخن گفت. آقای غفاری به دو فیلم مهم خود، جنوب شهر (۱۳۳۷) و "شب قوزی" (۱۳۴۳) نیز پرداخت و از سانسور بی‌منطق آن زمان در مورد جنوب شهر، توقیف بی‌دلیل و نمایش مثله شده آن با نام رقابت در شهر در سال ۴۲ یاد کرد. وی ریشه موفقیتهای کنونی سینمای ایران را در عرصه جهانی، نه در امروز که در تلاش‌های گذشته سینماگران ایرانی ارزیابی کرد و با بررسی کوتاه سینمای پس از انقلاب و کارهای برخی از فیلمسازان هم در این دوره (بویژه مخملباف و تحولات فکری) گفت: "من عقیده دارم شور و شوق مردم سینما دوست ایران و تمام تلاش‌های گذشته در این زمینه باعث شد که مقامات توجه

سینمای ایران یاد کرد که در آن تماشاگر ایرانی مشکلی به نام زبان نداشت و فیلم را بخوبی می‌فهمید و با فرهنگ آن نیز آشنا بود. این فیلم، با استقبال بی‌نظیر مردم، نشان داد که ایرانیان چقدر به سینما علاقه مند هستند.

آنگاه شاهرخ گلستان به روند پیشرفت گام به گام دوبلاژ اشاره نمود و در این میان از اسماعیل کوشان که اولین استودیوی دوبلاژ را در سال ۱۳۲۴ بنا نهاد یاد کرد. وی دوران دوبله فارسی در ایتالیا را که شهرم مرکز این کار بود، دوران مهمی از تاریخ دوبلاژ در ایران عنوان کرد. چنین عواملی سطح دوبلاژ را در ایران بالا برد و در نتیجه سینماها که پیش از آن در تهران متمرکز بودند به شهرستانها نیز کشیده شدند و صنعت سینما رشد قابل ملاحظه‌ای یافت. اما نکته مهم نا گفته در سخنان وی، دوبله فیلمهای خارجی پس از انقلاب بود که چگونه فیلمها مطابق با ایدئولوژی حاکم بر جامعه، بی هیچ مسئولیتی تغییر و اساساً مفهوم دیگری را منتقل می‌کرد. این موضوع نیز با نگاهی تاریخی جنبه‌های دیگری از تاریخ دوبلاژ در ایران را می‌تواند روشن کند.

پس از شاهرخ گلستان سخنرانان دیگر سمینار به نقد و بررسی آثار چهار کارگردان ایرانی مسعود کیمیائی، عباس کیارستمی، بهرام بیضایی و محسن مخملباف پرداختند. وی بخش از این قسمت از سخنرانیها (بررسی آثار کیمیایی و مخملباف) به عهده هرمز کی بود. در سخنرانی پیش از ظهر، هرمز کی فیلمساز ایرانی مقیم فرانسه آثار کیمیایی را از دیدگاه خود بررسی کرد. وی کیمیایی را به عنوان کارگردانی که از بطن جامعه برخاسته و رابطه‌ای پیوسته میان سینما و جامعه برقرار کرده است ارزیابی کرد. کیمیایی گاهی در بین جامعه است، گاهی جامعه را به دنبال خود می‌کشد و گاهی نیز به دنبال جامعه می‌رود. هرمز کی کیمیایی را شخصیتی سیاسی و روشنفکر - نه به معنای کلاسیک آن که به معنای روشنفکری که مدرسه سینما را در جامعه دیده است - می‌شناسد و تأثیر شیوه نگارش کیمیایی در جامعه استبداد زده شاهنشاهی را بر تماشاگر ایرانی،

### مصاحبه "کار" با تعدادی از فعالین جنبش چپ به مناسبت ۱۹ بهمن، سالروز تأسیس جنبش فدایی

# جنبش فداییان خلق، گذشته و حال

۱۹ بهمن امسال جنبش فداییان خلق بیست و چهارمین سال فعالیت خود را آغاز کرد. به این مناسبت و به منظور انعکاس نظراتی که پیرامون این جنبش وجود دارد، هیئت تحریریه "کار" سوالات زیر را در برابر گروهی از فعالین جنبش چپ، که به نوعی در این جنبش نقش داشته‌اند، قرارداد:

مهمترین نقطه قوت و نیز مهم‌ترین نقطه ضعف این جنبش در طول حیاتش چه بوده است؟ آیا می‌توان یک مسیر ایده آل را برای این ۲۳ سال ترسیم کرد؟

آیا جنبش فداییان خلق امروزی تواند ظرفیت آنرا داشته باشد همه کسانی را که روزی در پیوند با آن بوده‌اند، دوباره گرد آورد؟ آیا چنین کاری ضرور است؟ اگر نیست به چه دلیل و اگر هست چه اقداماتی را برای دستیابی به آن توصیه می‌کنید؟ در شماره گذشته، قسمت نخست این مصاحبه درج شد. آنچه در این شماره آمده است پاسخهای دیگری است که بدست ما رسیده است. سوالات فوق در اختیار تعداد بیشتری از فعالین جنبش چپ، و بسته به سازمانهای مختلف، قرار گرفته است. در صورت دریافت پاسخهای تازه، "کار" امکان آماده انتشار آنهاست.

آن بوده است. گرچه تصحیح خطاها گاه به گاه به کندی و حتی در صورت گرفت. از ضعفهای برجسته سازمان در طول حیات ۲۳ ساله اش موضع گیری عمومی آن از سال ۵۹ به بعد است. آنگاه که به مبارزه ضد امپریالیستی بهیچ وجه توجه شده و در میداد و در نتیجه به آزادی و دمکراسی بهیچ وجه توجه شده و در جاهایی آن را نادیده می‌گیرد. و بدنبال آن نیروهای جمهوری اسلامی را که در جهت نابودی دمکراسی و آزادیهای مردم ایران حرکت می‌کردند، انقلابی می‌بیند.

در ادامه چنین نگرشی است که سازمان مجد و پابنه به سمت حزب توده ایران کشیده می‌شود. در نتیجه اعتقاد و عملکرد چنین سیاستی به نقش و ظرفیت آن در جنبش دمکراتیک مردم ایران ضربات جبران ناپذیری وارد می‌شود.

مسیر ایده آل برای سازمان، تلاش بیشتر در جهت دستیابی به اندیشه‌های نوین است که بی‌شک برنامه ریزی مبتکرانه برای توسعه و پیشرفت جامعه ما از وظایف نخستین آن است. این خود محصول تلاش سالیان بسیار خواهد بود. و این همه در گرو وحدت هر چه وسیعتر نیروهای ملی و مردمی و آزاداندیش میهن ماست.

فداییان که از آغاز حول اهداف مشترکی گرد آمده بودند، چندین انشعاب عمده داشته‌اند که تحت نامهای مختلف شناخته می‌شوند. فاصله دید گاهی بعضی از آنها، آنچنان است که گاه نقطه اشتراک آنان فقط در نام "فدایی" است. و جز این هیچ پیوند اصولی بین آنان وجود ندارد. از این رو وحدت این نیروها را حول یک سازمان مشخص به نام فدایی منتفی می‌بینم.

اما در مورد ضرورت گرد آوری نیروهای چپ نوین در ایران، باید گفت: با توجه به اینکه سازمان آنظر کیفی رشد زیادی کرده است و باید درک جدید از سوسیالیسم از گردانهای واقع بین جنبش چپ نوین ایران می‌باشد. با توجه به صداقت و عشق عمیق به جامعه و مردم دارای آنچنان ظرفیتی هست که بتواند عده زیادی از نیروهای را که به جنبش چپ در ایران اعتقاد دارند حول خود گرد آورد.

مهمتر اینکه اتحاد عمل با تمامی نیروهایی که به دمکراسی و آزادی و پیشرفت جامعه معتقدند باید از وظایف اصلی ما باشد. این موضوع نه تنها در برگیرنده نیروهای چپ، بلکه تمامی نیروهای صادق جنبش دمکراتیک را شامل می‌شود. و این وظیفه در این برهه از زمان از ضروری ترین و مبرمترین نیازهای جامعه ایران است.

## فرخ نگهدار

### از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

من که سالها مسئول این سازمان بوده‌ام، بعید باشد که چشم سالمی برای درست دیدن نقاط ضعف و قوت آن داشته باشم. زندگی ثابت نکرده است که "انتقاد از خود" همیشه عادلانه‌ترین قضاوت است. تجربه می‌گوید اگر تو عمرت را عاشق سازمانت بوده باشی چشم بد دیدن آن را نداری. نقاط ضعف را ضعیف و نقاط قوت را قوی می‌بینی و اگر نفی اش کرده باشی به عکس می‌بینی. هر چه عمرانی سالهای عشق طولانی تر شود توانت برای تکیه زدن بر جای یک قاضی بی طرف کمتر می‌شود و من سی سال پیش در چنین روزهایی انتخابی کردم که همچنان با برجاست و در هیچ روزی از روزهای این سی سال هم به نفی آن نرسیده‌ام. ترسم اینست که پاسخ به سؤال شما حقیقت را با قوی کردن نقاط قوت، خدشه دار سازد.

این بدان معنا نیست که من داوری و دیدی نسبت به این بیست و سه سال ندارم. نمی‌توانم ندانسته باشم. لحظه لحظه اش، لحظه‌های زندگی من است. اما این ستون را جای صحبت درباره این همه سال نیست. لذا بالا جبار از پاسخ به سؤال دوم صرف نظر و در پاسخ به سؤال اول نیز به نام بردن از سه دوره چرخش های مهم فکری - سیاسی و با نیم نگاه به مهمترین ها اکتفا می‌کنم که از بدین بدین قرارند:

- ۱- عبور از یک مشی مطلقا نظامی به یک مشی سیاسی - نظامی
- ۲- عبور از یک سازمان سیاسی - نظامی به یک سازمان سیاسی مارکسیستی - لیننیستی
- ۳- شرکت فعال در انقلاب بهمن و همسویی با دیگر نیروهای طرفدار سرنگونی کامل رژیم شاه

- ۴- باور به دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و نیروهای محرکه آن، پذیرش سوسیالیسم موجود بعنوان عمده ترین متحد جهانی در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا یعنی دشمن اصلی
- ۵- باور به اولویت و اهمیت پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی و ضد کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و ادامه در صفحه ۸

استبداد سیاسی و تشکیلاتی منجر می‌شود، بوده است. ستیز و فاصله گیری با سوسیالیسم ارزشی - دمکراتیک - که عدالت را با توجه به مصالح واقعی جامعه، تاکید بر رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی، دمکراسی و حفظ محیط زیست مورد نظر دارد، و از واقعیات جامعه‌ی خودی، با استفاده از همه دستاوردهای جهان و با تاکید بر منافع ملی خود و احترام به منافع ملی دیگران حرکت می‌کند - انسوی دیگر خطای بزرگ ما بوده است.

اشتباهات سیاسی ما به طور عمده بر بستر کزاندیشی‌ها و کزوریهای مشروع در بالا قابل توضیح و در خور تامل است. نه بر بستر پراگماتیسم سیاسی که به خودی خود چیز بدی نیست. از اینجا می‌توان به پاسخ به سؤال دوم نزدیک شد. ظرفیت جنبش فداییان برای گرد هم آوری همه یاران در برین به گرد هم. این البته اتفاقی شورانگیز است اگر از زاویه عاطفی آن نگریسته شود. اما در زندگی واقعی مساله پیچیده تر است. جنبش فدائیان امروز طیف گسترده و وسیعی از نظریات و گرایشات را در بر می‌گیرد. ولی یک خط فکری حدودا شکل گرفته شاخص آنست.

خصیلت اصلی این تفکر جدایی از سوسیالیسم ایدئولوژیک و اعتقاد و گرایش به سوسیالیسم (ارزشی - دمکراتیک) است. اینکه برداشتها از سوسیالیسم ارزشی - ایدئولوژیک یکسان است یا متفاوتی دارد فعلا نه کاملا روشن است و نه مهم. اما به خوبی قابل فهم است که احتیاج به تجربه اندوخته‌های باز هم بیشتری برای تدقیق سمت گیریهاست. بهر حال می‌توان گفت که سوسیالیسم ارزشی - دمکراتیک آن سمت گیریایی است که می‌یست با توجه به آزمون و خطا در جامعه‌ی خودی به مرور بر اساس بنیانهای پیشرفته اقتصادی و علمی متعین شود.

اعتقاد و گرایش به سوسیالیسم ارزشی - دمکراتیک و تحولاتی که بر این اساس و همچنین بر مبنای تجربه شکست خورده احزاب کمونیست بدست آمده است پایه گذار بینشی نوین در امر سیاست گذاری، برنامه نویسی و نگرش تشکیلاتی شده است. این بینش هر چند تکامل نیافته و در حال تحول، ولی حامل آن ظرفیتهایی است که نیروهای دمکرات و چپ را به مرور نزدیک و نزدیک تر می‌سازد و امکانات بالقوه را برای هم نوایی و اتحاد و وحدت آنها فراهم می‌کند. اینکه در این روند چه سازمانها و نیروهایی ابتدا به هم می‌پیوندند؟ فداییان با هم یا بخشی از آنها یا سایرین نه ملزم است و نه مهم و منوط کردن یکی به دیگری نه واقعی است و نه خردمندانه. این امر به درجه تحول فکری نیروها، محافل، سازمانها و احزاب بستگی دارد، به آمادگی آنها برای زدودن پیش داوریها و گرایشات سازمانی و برخورداری آنها از فرهنگ سیاسی مدرن، دمکراتیک و واقع بینانه منوط است. طبیعتا این روندها در صورت بروز تحولات مثبت در اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی ایران، تسریع خواهد شد.

خرده گیری بر این مختصر که چرا به فلان و بهمان خطای رهبری یا بدنه اشاره نشده است. چرا به فلان و بهمان عمل و سیاست و اعلامیه نپرداخته است؛ و چرا فلان و بهمان کس را نخواستند، بی‌التفاتی به علل اصلی، تمایل به تاریخ نوین زدودن و افتادن در کلاف سردرگم اختلافات و تسویه حسابهاست.

بگذار گذشته را "چراغ راه آینده کنیم" و با تاکید بر علل و آموزش از خطاها، به همه یاران خوب و دیروز و امروز و رجل سیاسی و فرهنگی دمکرات مترقی میهمان عشق و ورزش.

## عفت ماهباز

### از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از آن میلاد خونین که در سپیده دم جنگل طلوع کرد ۲۳ سال می‌گذرد. میلادی که شکفتنش در پیوند با موسیقی پرتلاطم جنبش توده‌ها صدایی رسا تر یافت. صدایی که در فرازونشیب‌های روزگاریه پا خاست و به خاک نشست و در گریه برافراشت. حیات سازمان ما با همه دشواریهای حیاتی انقلابی و بالنده بوده است که اعتقاد به آرمان بشر دوستانه و ایمان عمیق به آزادی و عدالت چراغ راهش بوده است. اکنون در این راه پر سنگلاخ شورنده و روزمنده، با کوله باری از تجربه‌های دور و نزدیک و رهتوشه‌ای از درسهای گذشته می‌گیریم به امید رسیدن به آرزوهای سترگ مشترک و روشن پیش می‌رویم.

در این سالها حماسه ما پویندگی بود. پویایی و تصحیح خطاها بی‌که به منظور دست یابی به اندیشه‌های نوین و زدودن دگماتیسم برای پیشبرد مصالح جامعه و مردم و رشد و توسعه آزادی و دمکراسی، پیشرفت و تجدد از خصیصه‌های بارز و از نقاط قوت آن است و بی‌شک صداقت و ایثار، ایمان به آرمان زحمتکشان یا رومندکار

سنگلاخها پای می‌فرسود. عشق، محرکه نیرومندی است اما برخلاف باور پیشینیان، نمی‌توانست و نمی‌تواند "طیب جمله علتهای ما" باشد.

لنگ لنگان از بس می‌آمد. تاوان این ناخوانایی، سنگین بود و مهمیب. به مهابت موجهای درهم شکننده کشتی، استبدادشاهی غرامتی سنگین از ما گرفت؛ جان عزیزترین یاران مارا.

"نمد در گلوگاه و خنجر در استخوان قناری نهادند... عاشقان را کشند تا عشق بر درگاه انتظار بیهوش بماند."

عشق، تن روئینه ما بود و خرد نارسا، چشم اسفند یا زمان. چشم ما بسیار چیزهایی را که به دیده می‌آمدند و به سینه سپهرنا دیده گرفت. ما نیز به نحوی، خود سوزاننده خرمین خویش شدیم، همچون کرم ابریشم که کفن دوز خود شد. ما به ساقه نیاز کوشیدیم، دره میان عشق و بار و خوردن نارسا را با جانفشانی قهرمانانه پر کنیم. برشت، چه رسا گفت: وقتی که سخن از فضیلتی بزرگ به میان می‌آید و به کاری قهرمانانه نیاز می‌افتد، پیداست که جایی از کار می‌لنگد.

جنبش فدایی در پویش ۲۳ ساله خود، به برکت پیگیری و در جستجوی حقیقت و طلب معرفت، کوشید در هر مرحله و هر گام، علل ضعف و قوت خود را در یاد و باز شناسد و از شکاف میان تعهد و آگاهی خود بکاهد و نقش خود را به مثابه یک نیروی سیاسی پیشروی چپ ایفا کند.

می‌توان گفت که نیروی اصلی این جنبش (سازمان اکثریت) در درک بخرنجی‌های نو پدید، ظرفیت معنوی قابل تا کیدی از خود نشان داده است. در پاسخگویی به تمهیدات نوین بویژه اتحاد همه نیروهای ملی و دمکراتیک نیز هنوز این سازمان حاضر موقعیت و مسئولیت ویژه‌ایست. و اما پاسخ این پرسش که آیا جنبش فدائیان خلق، امروز این ظرفیت را دارد که همه کسانی را که روزی در پیوند با آن بوده‌اند، دوباره در خود گرد آورد، به طور قطع منفی است. طیف افراد و یا اجزاء جدا شده از آن (به هر دلیل)، متنوع تر از آنند که همچون "فرزند گمشده" کتاب مقدس سرانجام و بهر روی، راهی "خانه پدری" گردند. عطش این "پیوند دوباره"، در عالم واقع، با هیچ آب مقدسی فرو نمی‌نشیند. هیچکس از سراب، سیراب نشده است.

## فریدون

### از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

جنبش فدایی جنبشی بود ضد استبداد و عدالت جو، زائیده اوضاع و احوالی ویژه و مقطعی خاص از تاریخ معاصر ایران، جنبشی عصیانگر با آرمانخواهی‌هایی که چندان تعریف شده و دقیق. به لحاظ نظری متعلق به طیف چپ به طور اعم و بدون مرز بندی با گرایشات گوناگون درون آن. به لحاظ تاکتیکی سیاسی عمدتاً ملهم از تئورهای "کانون" و "چریک شهری". در سیاست پراگماتیسم و به لحاظ تشکیلات سائرا لیستی و شبه نظامی.

مجموعه‌ی خصایل فوق قویا بر چگونگی و نحوه‌ی مبارزه‌ی جنبش، ستیز علیه استبداد و عدالت پژوهی جنبش فداییان خلق تاثیر داشته و آنرا از خود ویژگیهایی برخوردار کرده است. کژی و کاستی‌ها و فرازونشیب‌هایی که فدائیان خلق طی مسیر بهر حال تکاملی خویش پشت سر گذارده‌اند بر بستر خصائل فوق قابل توضیح و قابل فهم‌اند.

مهم ترین خصیلت جنبش فدایی در این ۲۳ سال تحول جوئی و نخواستگی آن است. بررسی جدلهای فکری و نظری درونی و نقطه عطف‌هایی که فداییان پشت سر گذارده‌اند در مجموع مبین این واقعیت است. اما شتاب حرکت به جلودر این جنبش رضایت بخش نبوده است و متاسفانه گاه از لختی و گم گشتگی در اعماق و زمانی از آنارشیسم و سطحی نگری برخوردار بوده است. این پدیده‌ها با توجه به ویژگیهای این جنبش قابل توضیح است. عمده ترین ضعف جنبش ما در این دوره کم رنگ شدن خصایل ملی به دلیل گرایش به "انترناسیونالیسم"، روی آوردن به سوسیالیسم ایدئولوژیک به معنای مبارزه و تلاش در جهت استقرار الگوهای صرفا ذهنی. و تلاش در جهت انطباق واقعیات با ذهنیات که در تحلیل نهایی به

## مازیار کاکوان

### از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

قوت و ضعف فدائیان خلق در سرشت جنبش فدایی است. آشخور همه خدمات و صد مانی که بنام فدائیان در تاریخ معاصر ایران ثبت می‌شود، اینجاست.

پیدایش جنبش فدایی در دهه چهل با زتاب یک شوم بختی اش اورا نیازمند قهرمان کرده بود. اورا شکست جنبش ملی، تثبیت حکومت کودتا و سرکوب نیروهای آزاده و میهن دوست، افق زندگی را تیره، عرصه فعالیت اجتماعی را تنگ و فضای سیاسی را نفس گیر کرده بود. نه ستار خانی ماند که علمهای سفید را بر خاک افکند و به پیش تازد و نه نهضتی که، حتی عقب نشینی نیروی شکست خورده را، سازمان دهد. ملتی شکست خورده و اهان خورده که نمی‌خواست به ذلت تسلیم تن سپارد و به زنجیر خود شود، راه می‌جست. نمی‌یافت، اما امیدره جوئی را نیز نمی‌یافت. بهر سلاحتی، بهر سلاحی، فرهنگ مقاومت بود جنگ می‌انداخت. زنگار خورده را نیز صیقل می‌داد تا دیگر باره به کارش گیرد. که اگر نه اقتدار سیاسی باخته، دست کم اعتبار سیاسی هتک شده را ترمیم و احیاء کند.

این تضاد نیست که از اعماق اساطیر کهن، پهلوانی چون آرش به عرصه تاریخ زنده و جاری احضار می‌شود و در گدازه‌های امید ملتی نیازمند قهرمان، در گدازه جان می‌گیرد تا آزادگی و شرف امانت دیده را از تنگنای زبونی و اسارت دامنگیر آن برهاند و گستره آن را با پرواز تیر جان به فراخانی چپ چون آزادگی ای با بسته و شایا بسط دهد. آنچه اما کما کان برجای می‌ماند، سیطره پیداد است و تنگنای جان فرسای اسارت. نیاز همچنان مکرر است و امید بر جا. و خلق، ناکام تر و شور و بخت تراز آنکه خود را بی نیاز از قهرمان ببیند.

این نیز تضاد نیست که این بار شماری دیگر، امانه ازدل اسطوره و رویا که ازدل تاریخ و آرزو، با جسمی زمینی و جانی کیهانی، پرواز تیر جان را آماده می‌شوند. پولاد باره‌هایی که آهنریای عشق به خلق، با دستان وجودشان را توفانی کرده است، شوریده و آرمانخواه، از سر جان پذیرای باران امانت می‌شوند. قمار عشق می‌بازند با نقد جان. که "عشق است و داو اول بر نقد جان توان زد"

زمینه‌ها و انگیزه‌های پیدایش و برآمدن نهضت فدائیان را می‌توان همچنین در پیوند با تحولات سیاسی جهان و منطقه، بویژه اثرپذیری از آموزشها و دستاوردهای آرمان سوسیالیسم و جنبش‌های استقلال طلبانه ملی نیز توضیح داد. اما نهادی ترین رگه هویت این جنبش در تاریخ و فرهنگ ایران است. با همه جلوه‌های ستودنی و نکوهیدنی آن. مهم‌ترین آشخور جنبه‌های ایمانی اعتقاد و منش اخلاقی فدائیان، در میراث عشقی است که در تاریخ و فرهنگ ایران - بویژه در عرفان ایرانی - با همه غنای معنوی اش ستایش شده است. عالیترین جلوه ایمانی اعتقاد، ریشه در عشق دارد و نازلترین آن، ریشه در تعبد مذهبی. و آنچه که در عرفان ایرانی (بویژه در سده‌های نخست پس از اسلام - نه عرفان سده‌های خودگی و رکود پسین -) بارز است، ستایش عشق است و منش اخلاقی والا. آمیختگی و اعتقاد سیاسی و منش اخلاقی فدائیان در جلوه‌هایی چون: یگانگی باور و عمل، جسارت جستجوگری و طلب، صداقت و پاکبازی، از خود گذشتگی و خاکساری، وفاداری و پابندی به عهد و آرمان و شوریدگی تا حد فنا شدن در راه عشق و برای معشوق، ریشه در این میراث تاریخی و فرهنگی دارد. این عناصر، از زمره پالایا یافته ترین وجوه اخلاقی و معنوی تاریخا شکل گرفته کارا کثر مردمی و ملی ماست. این پاکبازی با یک، خاکساری ابراهیم ادهم و شوریدگی منصور حلاج است که شعله اش در نهضت فدائیان زبانه کشیده است. راز اصالت این جنبش و بارزترین نقطه قوت آن همین پاکبازی عاشقانه است، یگانگی باور و عمل است، روح جستجوگری و طلب است.

واما در سرشت فدائیان، دیو ضعف و ناتوانی نیز لانه داشت. شوریدگی عشق بی آمیزه خردی همسنگ، در دروید خانه می‌توان بی مدد قلمب نما کشتی راند و به مقصد رسید، اما در دریا، در دریای متلاطم و موج سیاست، هرگز. آزمون ما شتابان از پیش می‌رفت و خرد،

## نشریه مجاهد در تحریف حقایق تا کجا پیش رفته است؟

حسن جعفری

قلم شخصی به نام رضا روحانی همه این جعلیات و مشابه آنها هم از قول من وهم تقریبا از قول همه شاهدین دادگاه تکرار شده است. من برای پاسخ به این جعلیات نه به یادداشت برداریهای مشروح جریان دادگاه که موجود است، رجوع میکنم و نه به حافظه خود. فقط به مقایسه همین قسمت از گزارش نشریه مجاهد که آن را نقل کردم با گزارشات نشریات آلمانی میپردازم:

روزنامه های Berliner Morgenpost و TAZ در شماره های مورخه ۴ دسامبر خود از قول خبرگزاری آلمان dpa نوشتند: "یک عامل رژیم ایران ماهها قبل از سوء قصد میکونوس تلاش کرد با مخالفین رژیم تهران که در برلین زندگی می کنند وارد مذاکره شود. شاهدین دیروز در دادگاه ضمن اظهار این مطلب گفتند فردی که خود را میانجی می خواند به آنان گفت او تلاش می کند به درخواست رژیم تهران، بین رژیم و اپوزیسیون آشتی برقرار کند. این مذاکرات به مرحله اجرا در نیامد روزنامه Berliner Zeitung در شماره ۲۸۴ خود در همان تاریخ نوشت: "شاهدان دیروز در دادگاه برلین گفتند چند ماه قبل از سوء قصد میکونوس که در آن چهار تن از افراد اپوزیسیون به قتل رسیدند، رژیم واسطه ای به برلین فرستاد. این شخص پیشنهاد مذاکره با سازمانهای اپوزیسیون را کرد. ایرانیان تبعیدی این پیشنهاد را به طرز قطعی رد کردند."

روزنامه Tagesspiegel مورخه ۴ دسامبر از قول خبرنگار خود نوشت: "دیروز شاهدان در دادگاه اظهار داشتند که ماهها قبل از سوء قصد، رژیم تهران از طریق یک واسطه سعی کرد تا با افراد اپوزیسیون که در برلین زندگی میکنند، ملاقاتی انجام دهد، اما اینان - که اعتقاد دارند پشت این ترور رژیم تهران قرار دارد - قاطعانه آن را رد کردند. حسن ج. گفت: تجربه ما نشان داد که این رژیم در هیچ زمینه ای قابل اعتماد نیست. این نوع مذاکرات در وین جهت به قتل رساندن دکتر فاسلمورد سوء استفاده رژیم قرار گرفته است. حال مقایسه ای بکنید بین گزارشات این نشریات آلمانی (و نه نشریه کار) با مطالب مندرج در نشریه مجاهد!

دور شدن از کشورهای استبداد زده ایران و عراق و اقامت در کشورهای اروپایی، حداقل حسنی را که برای گرداندن گان نشریه مجاهد میتوانست داشته باشد این بود که شرف و تعهد روزنامه نگاری را در حد مطبوعات اروپایی اش هم که شده بیاموزند، اما در راهی که مجاهدین در پیش گرفته اند، گویا این نیز امید بیهوده ای است.

سومین دور تحول فکری - سیاسی بنیادین در سازمان ما طی یک دهه اخیر تکوین و گسترش یافته است. سه مولفه اصلی این تحول عبارتند از: مخالفت با حکومت جمهوری اسلامی، پیکار در راه تأمین دموکراسی در کشور به مثابه عمده ترین وظیفه و بالاخره تأمین دموکراسی درون سازمانی و تضمین آزادی کامل بیان و عقیده در سازمان.

این مولفه ها امروز هم خصلت نمای سازمان ما بشمار می روند. من این مولفه ها را نه تنها مثبت و ضرور می بینم، بلکه خود تا آنجا که بتوانم در راه تثبیت و زرقش آنها تلاش میکنم. اما اصلا اعتقاد ندارم که سازمان ما در جاتی که باید استقرار یافته است. تحول سالهای اخیر راز وحدت و بقای ما موجب تعدیل نظریه های ازین روها نسبت به سازمان شده است. امروز فقط آن نیروهای نظر منفی (آنتی پاتی) نسبت به ما دارند که به گونه ای از استبداد دل بسته اند. و جالب اینکه هر چه فکر استبدادی در کشور ما بی آبروتر می شود این حس منفی نسبت به سازمان و تحولات آن هم کمرنگ تر می شود.

با این حال من از این تحول اخیر بعنوان نقطه قوت بزرگ سازمان یاد نمی کنم. چرا که هنوز تعدیل نظر منفی به گونه ای از امید و اعتماد همگانی فراتر رفته است. تعدیل و محور عطف منفی به هیچ وجه کافی نیست. در میان آزاد یخواهان ایران جرقه های امید نسبت به سازمان هنوز به سهولت می تواند تحت تاثیر ناتوانی های عینی و ذهنی ما، لختی ها و کاهلی های ما و بخصوص تحت تاثیر احساس مالکیت و غرور فرقه گرایانه، که بسیار خطرناک است محو و خاموش شود. امروز بسیاری از ما راه طی شده را باراه و با فرجام دیگر نیروهای چپ قیاس می کنند به آنچه یافته اند و بویژه بنام سنت های سازمان سخت دل بسته اند. این دل بستگی گرچه در فضای سرد و بی روح مهاجرت خود یک نیروی محرکه است، اما خطرناک نیز هست. امروز احساس مالکیت و فخر فرقه گرایانه، اگر سرعت درمان نشود نقشی جز خاموش کردن و سرد کردن آن جرقه های امید نخواهد داشت. سازمان ما هنوز بسیار بسته است، ما هنوز یک سازمان در خود هستیم. هنوز دوری و بی خبری جانگناه میان سازمان و توده روشنفکران و آزاد یخواهان کشور حاکم است. هنوز صحبت کردن از اینکه "ما به مسئولیت ملی خود عمل خواهیم کرد" - با این حد از تغییر - با خوش ترین تعبیر دست کم سختی زودرس و کم پشتوانه است.

فردای ما در گرو محور این نقطه ضعف هاست. در گرو پیدایش عاطفه ای مشترک میان طیف وسیع نسل تازه آزاد یخواهان کشور است. ما هنوز به یک الگوی تمام عیار فکری و فرهنگی - قد برافراشته و خصلت نما - در برابر تمام الگوهای نو که استبداد فراتر رفته ایم. تا آن روز هنوز ما راه بسیار است.

حال ببینیم نشریه مجاهد چگونه این موضوع را منعکس کرده است. در شماره ۲۲۶ نشریه مجاهد، در گزارش جلسات دادگاه، اظهارات من با این تیر آمده است: "حسن جعفری از (اکثریت): محور اصلی بحث این بود که با رژیم مذاکره کنیم و در ادامه: "در جلسه ۱۲ آذر، حسن جعفری پس از معرفی خود به دادگاه که به سابقه ارتباطش با عناصر رژیم پرداخت. من پس از معرفی خود در دادگاه، حداقل دو ساعت از وقت را به توضیح دلایل خود در مورد اینکه چرا رژیم عامل این ترور است و چرا جریانات دیگر اپوزیسیون - از جمله مجاهدین - نمی توانند عامل آن باشند و شرح دیگر جنایات رژیم گذرانند، اما نشریه مجاهد به سابقه ارتباط "بی" با عناصر رژیم می پردازد، که خودش جعل کرده است: جعفری از جمله گفت یک ما مور رژیم بنام نجاتی، یکسال قبل از این تلفنی با او صحبت کرده بود. مجاهدین در جعل کردن، احتیاج به "چیزکی" هم ندارند تا از آن چیزها بسازند. من هیچگاه با این فرد نه تلفنی و نه رودر صحبتی نداشتم، چنین چیزی نگفتم و در هیچ روزنامه آلمانی و فارسی هم چنین مطلبی از قول من نقل نشد. مجاهدین سپس ادامه می دهند: "فرد دیگری بنام عبدالرحیمی نیز که ساکن برلین بود از جانب نجاتی برای صحبت و رابطه با حسن جعفری میآمده است" جدا از حکم مجاهدین در مورد این فرد، من هیچگاه با وی هیچ صحبت و رابطه ای نداشتم. "محورهای اصلی مباحث این بود که با رژیم مذاکره کنیم" "مباحث" با فردی که من هیچگاه هیچ بحثی با او نداشتم!؟ جالب اینجاست که این مطلب تیز خیر هم شده است! مجاهد می نویسند: "حسن جعفری همچنین اظهار داشته که پس از قتل نیز با نجاتی ما مور رژیم تماس داشته و تاریخ تماس در ژانویه ۹۳ بوده است" و این همان تلفن اخطا ماندی است که به منزل من شده و در بالا آن را توضیح دادم. من به نکات دیگری از اظهاراتم در دادگاه که آنها نیز حذفند توسط مجاهدین تحریف و جعل شدند نمی پردازم.

در شماره بعدی نشریه مجاهد (۳۲۷) در مقاله ای به یک ضعف جدی در حیات آن تلقی می کنم اصلا به این دلیل نیست که مادر شناخت رهبری انقلاب و اهداف آن دچار اشتباه شدیم. اشتباه در تشخیص سمت نیازمیرم کشور بود. ایران چه امروز، چه دیروز چه در دوران شاه قبل از همه نیازمند تعدیل رابطه حکومت با مردم، استقرار نهاد های دموکراتیک قانون گذاری و اداره کشور بوده و هست. هر چند که این نیاز نه در آن دستگاه فکری ما قابل هضم بود و نه شرایط عینی در آن سالهای جنگ آمریکا بر افروخته ی ایران و عراق ما را در سمت تشخیص و ظایف خویش یاری می داد.

با این حال هیچیک از این عوامل ذهنی و عینی توجیه گر آن سیاست نیست. رهبری سیاسی مسئول بود که در باید که فرود آمدن تیغ حکومت بر سر تمامی احزاب و سازمانهای دگر اندیش، بویژه چپ فقط یک مسئله زمانی است و فرود آن تیغ خود اعلام مرگ هر نوع سیاست حمایتی است.

همه می دانند من شخصا در پیگیری تلاش برای تأمین وحدت توده ای ها و فدائیان نقش زیادی داشته ام. ما در دوره ای در آستانه وحدت کامل قرار گرفتیم، سپس مدتی روند متوقف ماند و چندی بعد سیر دزری آغاز شد. بدین ترتیب روند وحدت فرجامی غم انگیز داشت. من می دانم که بسیاری از فرقه های امروز ما فکر می کنند که روند وحدت اشتباه بود و چه خوب که شکست خورد. اما به نظر من زمانی که توده ای ها و فدائیان هم به لحاظ دستگاه فکری و هم به لحاظ سیاسی هویت واحدی دارند سبزی وحدت فاقد هر گونه پشتوانه منطقی بوده است. این ادعا که فدائیان فلان سرشت و توده ای ها بهمان سرشت را دارند بروج و بی پایه اند. دلیل فرجام غم انگیز روند وحدت نه ناشی از اشتباهات ما که بر عهده رهبران وقت حزب توده ایران است.

حزب توده ایران حتی امروز هم برپا به وحدت در ایدئولوژی و تابعیت بی خدشه مادون ازما فوق بنا و رهبری می شود. حال آنکه بیداری نیروها و نیاز زمانه مطلقا جایی برای تداوم آن افکار و آن شیوه ها باقی نگذاشته است. تداوم همان اندیشه ها و روش ها، تشنج ها و شکاف های بی بازگشت را در حزب موجب شده اند. حال آنکه سازمان در مسیر تغییر افتاد، اما وحدت حفظ شد و تنش ها را بی بازگشت کرد. با سبیری که رهبران حزب در پیش گرفتند دو انتخاب بیشتر در برابر ما نبود: تأمین وحدت به بهای حفظ الگوهای فکری و عادات گذشته و یا تأمین آزادی بیان و عقیده در سازمان به بهای رها کردن اجباری فکر وحدت. من از این متاسف نیستم که چرا ما در راه وحدت با توده ای ها پیش رفتیم. من از این متاسفم که چرا توده ای ها قادر نشدند حزب را چنان نو سازی کنند که وحدتشان پایدار و روشن نیز با ما یکی بماند.

آنها و حفظ کاست خود، حتی به قیمت جلوگیری و مسخ مبارزه علیه تروریسم جمهوری اسلامی است. واقعیت این است که اگر امروز بخوانند مسابقه ای در تحریف حقایق و بر خورد های ضد دموکراتیک نسبت به دگراندیشان در نشریات فارسی زبان بگذارند، نشریه مجاهد بی شک یکی از مدالها را نصیب خود خواهد کرد. این نشریه نسبت به جریان دادگاه میکونوس و اظهارات تقریبا همه شاهدان دادگاه به عهده سازمانهایی که در این رابطه فعالند و همچنین تک تک افرادی که نشریه مجاهد به تحریف گفته های آنها و توهمین و سمپاشی نسبت به آنها پرداخته است، می باشد و من در اینجا میخواهم فقط تا آنجا که به من مربوط است به روشن کردن پاره ای از نکات ضروری که این نشریه از قول من جعل کرده است بپردازم.

مدتها قبل از واقعه میکونوس فردی بیکی از فرقه ای ما رجوع کرد و پیشنهاد انجام یک ملاقات بین چند نفر (از جمله من) و نجاتی را کرد و خواست نظر او را بداند. رفیق ما در همانجا بر اساس مواضع سازمان و نظر شخصی خود قاطعانه با این پیشنهاد مخالفت کرد و به آن فرد توصیه کرد که پای خود را از این ماجراها بیرون بکشد. وی سپس موضوع را با من و مسئولین سازمان نیز در میان گذاشت. در جریان دادگاه و وقتی از من سوال شد آیا شما فردی را بنام نجاتی می شناسید من با اشاره به این واقعه گفتم که اولین بار نام او را در این رابطه شنیدم و بلافاصله در فرصت بدست آمده به تشریح مواضع سازمان و دلایل این موضعگیریها پرداختم. همچنین این نکته را گفتم که در ژانویه ۱۹۹۳، روزی که من سر کار بودم، فردی به خانه ما تلفن نموده و خود را نجاتی معرفی کرده است. من توضیح دادم که در همان روزها به خانه اکثر فعالین ضد تروریسم - حتی خانه زنده یاد نوری دهکردی - تلفن مشابه ای زده شده بدون آنکه با کسی گفتگو شود و توضیح دادم که این به نظر من یک اخطار به فعالین ضد تروریسم است.

روز بروز دنیا غرب در برابر دنیا شرق تضعیف می شود نتیجه گیری درست بوده است و نه طبعاً این نتیجه گیری از آن باور که می گفت حول شعار پیکار علیه امپریالیسم جهانی متحد شویم.

اما برای دوری عادلانه با یاد از یاد نبریم که نهضت ما در بحرانی ترین سالهای جنگ سرد و تقسیم جهان شکل گرفت و رشد یافت، ۵/۱۵ دهه سیزده انقلاب پیروزمند در اقصی نقاط جهان رخ داد که همه دشمن اصلی خود را ایالات متحده و دوست بزرگ خود را اتحاد شوروی می شناختند. سازمان ما در شرایطی پدید آمد و رشد کرد که هیچ الگویی جز الگوی سوسیالیسم موجود (اقتصاد دولتی و دولت تک حزبی) در عالم وجود نداشت. در ایران تجربه سوسیالیسم دموکراتیک مطرح نبود و چپ غیر لنینیست مفهومی نداشت. استبداد شاهي زمینه هر گونه تعدیل را از بین می برد. حق انتخاب تفکر چپ در ایران محدود به طیفی بود که یک سر آن به ما توتنیسم و تروتسکیسم و چه گورباچف می شد و سرد یگران به تفکر غالب در حزب کمونیست اتحاد شوروی. در چنین فضای بی باور من، جهیدن از فراز آن واقعیت های سخت زمینی و قرار گرفتن در فضای فکری بعد از پایان جنگ سرد، نه تنها دشوار بلکه اساسا غیر ممکن بود. بی دلیل نبود که منازعه فکری در تمام طیف گسترده چپ های ایران در طول تاریخ سازمان ما همواره بر لنینیسم مبتنی بوده است. ما در پایان یک دوره تحول فکری انتخاب تعبیر حزب لنین از لنینیسم را منطقی تر یافتیم. تعبیری که گرچه با واقعیات در حال گسترش در جهان همسویی نداشت و اشتباه بود ولی نسبت به تعابیر دیگر به مراتب زمینی تر و منطقی تر بود. سرنوشت دیگر گروه های چپ ایران خود یک حجت است.

جهانی و براندازی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی اما ج اصلی مبارزه محسوب می شد و ما بدرستی به این شناخت رسیده بودیم که رهبری انقلاب بهمن در این دو راستا ظرفیت حرکت دارد. کسانی که آن دستگاه فکری را می پذیرفتند اما رهبری انقلاب بهمن را فاقد آن ظرفیت ها دیدند و آن نهضت را وابسته به امپریالیسم و کلان سرمایه داری شناختند به همراه کردن مردم نسبت به صداقت خود کمک کردند. مسئله این نبود که آیا خط امام کشور ما را در جبهه دشمنی با غرب و در راه مصادره سرمایه های بزرگ و گسترش تصدی دولت در تولید و توزیع سوق می دهد یا نه. به نظر من مسلم بود که خط امام (نمونه دولت موسوی) در همین مسیر می رود. مسئله این بود که آیا این سیاست ها بسودایرانیان است یا نه؟ وظیفه مقدم است یا نه؟ پاسخ من امروزه هر دو سؤال منفی است.

اگر امروز من سیاست سازمان در سالهای ۶۰ و ۶۱ را

پس از واقعه ترور میکونوس برلین، اپوزیسیون دموکرات ایران با تلاش و کوششی مسترگ که در سالهای اخیر بی سابقه بود، به مبارزه علیه عاملین این ترور و کشاندن آنها به پای میز محاکمه برخاست و برای اولین بار پس از حدود پنجاه مورد ترور در خارج از کشور توسط رژیم، به این هدف که تجلی آن محاکمات هنوز در جریان برلین است، دست یافت. این تلاشهای اپوزیسیون دموکرات عمدتاً توسط "کمیته اپوزیسیون ایرانی در تبعید علیه ترور" و با حمایت دیگر تشکلهای دموکراتیک و سازمانهای سیاسی انجام گرفت و از هر جهت قابل تقدیر است.

در جریان تحقیقات، پلیس جنایی آلمان تمام شاهدان واقعه میکونوس و فعالین سیاسی برلین را دعوت کرد و در مقابل همه آنها این سوال را قرار داد که: در مقابل این ادعا که آقای نجاتی ما مور اطلاعاتی جمهوری اسلامی، در شب واقعه به جلسه میکونوس دعوت شده بود، چه فکری کنید؟ "از طرف همه بدون استثنا به این سوال، جواب منفی داده شد و تاکید شد این ادعا احتمالاً و این سؤال بی مورد است. اما در این میان برای فعالین سیاسی یک مساله روشن شد: این ادعا از سوی مجاهدین مطرح شده و آنها هم خلاصه وارد گود شده اند، اما برخلاف همه، نه با هدف همگامی با اپوزیسیون دموکرات در مبارزه علیه جمهوری اسلامی، بلکه برعکس، با هدف مبارزه علیه همین اپوزیسیون، ایجاد اغتشاش در این تلاشها و مسخ موفقیت های بدست آمده.

ادعای مجاهدین در مورد دعوت نجاتی به جلسه میکونوس هم به پلیس جنایی آلمان - به قول یکی از مسئولین این اداره - این شناخت را داد که از این پس روی ادعاهای جریانات مختلف اپوزیسیون ایرانی حسابهای دقیقتری باز کند و هم در جریان دادگاه به آنچنان رسوایی ای منجر شد که مجاهدین مجبور شدند در ملاء عام نماینده اعزامی خود به اداره پلیس یعنی همان کسی که این اطلاع دروغ را به پلیس داد - را بدرجه هواداری تنزل داده و هر نوع ارتباط بین ادعاهای او و سازمان خود را تکذیب نمایند، اما در ادامه این جریان، مواضع نشریه مجاهد نشان داد که این حرکتها دقیقاً با سازمان مجاهدین در ارتباط می باشد.

در این تردیدی نیست که هدف اصلی مجاهدین جلوگیری از مبارزه علیه تروریسم جمهوری اسلامی نیست، بلکه هدف اصلی، مبارزه علیه موفقیت های هر رقیب سیاسی دیگر و ایجاد کینه و نفرت در نیروهای مجاهد نسبت به دیگر نیروهای سیاسی در جهت نگهداری

### مصاحبه "کار" با ... ادامه از صفحه ۷

گرایش به حمایت از رهبری انقلاب بهمن و جمهوری اسلامی  
۶- عبور از منشی مقابله با حزب توده ایران به منشی وحدت با آن

۷- ترک منشی حمایت از جمهوری اسلامی و پی ریزی منشی مخالفت با آن

۸- حرکت در راستای عبور از یک سازمان بسته ایدئولوژیک به سوی یک سازمان سیاسی باز و مبتنی بر تنوع آرا و عقاید

۹- باور به اهمیت اولویت پیشبرد مبارزه ضد استبدادی و انتخاب دموکراسی برای ایران بعنوان مهمترین خواسته و هدف تاریخی همه نیروهای ترقی خواه.

درباره چرخش دوره اول، راست اینست که پیدایش روحیه چریکی در میان روشنفکران دهه ۶۰ که پدیده ای جهانی است، تا حد زیادی خصلت خود انگیخته داشته است. اما نفعی آن تلاش برای تبدیل جنبش به یک جریان سیاسی تلاش آگاهانه بود. وقوع انقلاب بهمن این روند را تسریع کرد. این تحول را من یکی از راه های بقای سازمان می فهمم، بویژه اینکه بموقع صورت گرفت. اشاره می کنم به کاربری فرجام کسانی که یک سال قبل تر خواستار تغییر شدند و کسانی که یک سال دیرتر بهمان نتایج رسیدند.

اینروزها شاید برای بسیاری شرکت فعال فدائیان در انقلاب بهمن چندان خوشایند نیاید و یا با دیدن بالا تراز سیاسی به این داستان برسند که شاید عدم شرکت در آن منشی سودمندتری می بود.

اما گناه اعتراض همه مردم به شاه، نه بر عهده مردم که بر عهده شاه است. هیچ نیرویی، جز شاه - حتی خمینی - نمی توانست از انقلاب بهمن جلوگیری و آخرین فرصت او برای این کار در اسفند ماه ۵۳- زمانی از دست رفت که وی با اعلام رستاخیز بجای کوشش برای آشتی با مردم راه تشدید خشونت را انتخاب کرد. اینکه امروز من آرزو می کنم سیر رویدادها بجای دوییدن بسوی انقلاب یکبارش بسوی اصلاحات تدریجی سمت می گرفت دقیقا نقدی است بر عمل شاه و نه بر عمل مردمی که پیداد استبداد پهلوی آنان را از حق هر گونه تشکل و تجربه سیاسی مفید محروم کرده بود.

درباره نقاط چرخش دردومین دوره من نظر دیگری دارم. رویدادهای سالهای بعد ثابت کرد که نه باور به این که عصر ما عصر انقلاب های سوسیالیستی پیروزمند است



## وزارت اطلاعات ..

اطلاعات و برخی روزنامه ها و جریانات وابسته به رژیم، نه روشن ساختن این پرسشها، بلکه بهره گیری از فرصت بدست آمده برای پرونده سازی و تصفیه حساب با مخالفین بوده است. روزنامه جمهوری اسلامی در بیستم بهمن ماه، با استناد به گفته های وزیر اطلاعات، به صراحت به تهدید مطبوعات مخالف پرداخت و نوشت: "روشای انحرافی برخی مطبوعات منفی یاف در شکل گرفتن ذهنیت خائنانه بانندی که توطئه ترور را طراحی کرد، نقش مهمی داشت. علاوه بر این برخی از افراد همین باند از شاغلین در بعضی از همین مطبوعات بودند."

### ادامه از صفحه ۱

وزیر اطلاعات نیز که تا کنون همواره مدعی ناپودی گروه های سیاسی بود، پس از حادثه تیراندازی باردیگر به یاد آنها افتاد و گفت: "گر چه امروز گروهکها به شکل سازمان یافته اکثرشان از بین رفتند ولی بالاخره ته مانده آنها به صورت محافلی ممکن است جمع شوند و از جوهایی که در جامعه به وجود میاید استفاده کنند."

اینگونه تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم واقداتی که به منظور پرونده سازی صورت میگیرد، این نگرانی را تشدید کرده است که قصد واقعی از طرح اینگونه ادعاها، اعمال فشارهای بیشتر بر مخالفین سیاسی و مطبوعات مخالف باشد.

وزیر اطلاعات نیز که تا کنون همواره مدعی ناپودی گروه های سیاسی بود، پس از حادثه تیراندازی باردیگر به یاد آنها افتاد و گفت: "گر چه امروز گروهکها به شکل سازمان یافته اکثرشان از بین رفتند ولی بالاخره ته مانده آنها به صورت محافلی ممکن است جمع شوند و از جوهایی که در جامعه به وجود میاید استفاده کنند."

## مبارزه علیه استبداد ...

### ادامه از صفحه ۱

وسیع تر مردم و سرکوب شدید هر حرکت اعتراضی افزایش داده اند. خامنه ای و جناح رسالت در حاکمیت که در مجلس و اغلب ارگان های حکومتی دست بالا را دارد، قصد دارند در عین حال با استفاده از موقعیت پیش آمده در اثر شکست برنامه ی تعدیل اقتصادی رفسنجانی، علیرغم تعریف و تمجید های توخالی از او، موقعیت وی را بیش از پیش تضعیف کنند. عقب نشینی این بار رفسنجانی که حضیضی از این دست را در سال های اخیر چند بار تجربه کرده است، اساساً با دفعات گذشته قابل قیاس نیست.

از موقعیت ضعیف تر رفسنجانی که بگذریم وضعیت کل حاکمیت نیز علیرغم تشبثاتش، به اعتراف خود حاکمان دیگر چون گذشته نیست و بحران همه جانبه ی اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی به آن لطامت فراوانی زده است. امری که از دید مردم آگاه ایران و همچنین نیروهای سیاسی مخالف رژیم دورنمانده است.

مردم به تنگ آمده ی کشور به تدریج روحیه ی تعرضی به خود می گیرند و به مقابله با سیاست های حکومت روی می آورند. پیدایش این روحیه در مردم تحركات جدیدی در نیروهای اپوزیسیون به ویژه در داخل کشور ایجاد کرده است. محافل سیاسی در داخل کشور لحن انتقادی خود را اخیراً تند تر کرده و مطالبات جدیدی را در مقابل دولت و حکومت قرار می دهند. بعضی از افراد سرشناس مخالف رژیم در داخل کشور چون داریوش فروهر، از ملی گرایان شناخته شده ی کشور، پشتگرم از وسعت دامنه ی اعتراضات مردم برای بیان نظرات خویش جسارت بیشتری یافته اند. تحرک اپوزیسیون داخل کشور، بیش از پیش به مخالفتها مست و سوی روشن سیاسی و ضد استبدادی می دهد و زمینه های حرکتی را فراهم می کند که در صورت تغییر در فضای کشور می تواند به ایجاد یک جبهه سیاسی ضد استبدادی بیا انجامد.

### شصتمین سال خاموشی ..

ادامه از صفحه ۵ بود درباره او می نویسد: "من عارف راننده بودم و تنها اسم او را می شناختم، اما با دیدن او مهرش در دلم جای گرفت و فهمیدم که مرد بزرگ و آزادمنشی است و شاید کمتر مانند داشته باشد، اینجا بود که ارادتم به

### ادامه از صفحه ۵

تائیری مبرهن و اساسی می داند. هرمز کی با گذر از لابلای ساختن های کیمیایی، مشخصات عمومی نگره های اجتماعی - ایدئولوژیک این فیلمساز را تعیین می کند و آن را به نوعی "شیعه نگری" مربوط می داند. حضور طغیان گر فیلمهای او پیش از انقلاب همواره با هاله ای از تفکرات تشیع همراه بود، همواره انسان معترض در آنها نمود داشت و همواره خیر و شر، بدی و خوبی در فیلمهای او در مقابل هم ایستاده اند. این مطلق نگری به همراه دفاع و ستایش از ارزشهای سنتی جامعه، گونه ای ویژگی مذهبی به کارهای کیمیایی داده است. وی با مقایسه شخصیت های دو فیلم خاک و داش آکل کیمیایی با شخصیت های کتابهای اوسته با پاسحان دولت آبادی و داش آکل هدایت (این دو فیلم اقتباسی از این دو کتاب بودند) نشان می دهد که چگونه کیمیایی شخصیت های مهم داستانها را به تعبیر و دید خود تغییر می دهد. وی شامه نیز کیمیایی را در درک تحولات جامعه، در فیلم سفر سنگ اومی بیند که در آن وقایع انقلاب پیش بینی می شود.

بررسی آثار کیمیایی تا سفر سنگ تا تمام می ماند به این دلیل که هرمز کی معترض است پس از انقلاب محسن مخملباف همان نقش پیشین کیمیایی را در جامعه ایفا میکند. جلسه صبح با این سخنرانی و پرسش و پاسخ کوتاهی پایان یافته و دنباله سمینار به مدیریت آقای شاهرخ مسکوب، نویسنده و پژوهشگر، ادامه می یابد. در جلسه پس از ظهر خانم مزده فتملی (نویسنده و فیلم ساز) و آقایان جمشید گلکمانی (روزنامه نگار و فیلمساز) علی امینی نجفی (منتقد فیلم) حمید فدوی (فیلم ساز و نویسنده) فریدون معزی مقدم (محقق، منتقد فیلم - عضو هیئت داوران جشنواره های سیاسی و بخشی از جشنواره کن در سالهای گذشته) سخنرانی داشتند.

خانم مزده فتملی دواتر کیا رستمی (خانه دوست کجاست و زندگی و دیگر هیچ) را انتخاب کرده و به بررسی آنها پرداخت. زمان و مکان در کارهای کیارستمی، سادگی بیان واقعیات، نگاه بی واسطه دوربین، تمایز از دنیای متداول و پیرنگی و لعاب کیمیایی عامیانه و زندگی به عنوان پی ساخت و گرانیگاه آثار این فیلمساز از جمله نکاتی بودند که مزده فتملی با گفتاری ادبی آنها را شکافت. این بررسی اگر چه به دو فیلم اخیر عباس کیارستمی محدود می شد اما کمابیش می شد آن را به مجموعه کارهای او نیز تعمیم داد.

آقای علی امینی نجفی در بیانی فشرده و روشن ویژگیهای اساسی فیلمهای بهرام بیضایی را بر شمرد. به اعتقاد وی فیلمهای بیضایی بر سبب روایتی حرکت می کنند که زندگی را بنیان یک سفر می بیند. و تاثیر این دیدگاه با زمینه های اساطیری، دینی آن در ادبیات عرفانی ایران در کارهای بیضایی مشهود است. تصویر آدمی (نماد مسافر)، دنیای پیرامون به عنوان گذرگاه و مراحل گذر عمر به منزله کاروانسراهای این سفر در ادبیات ما نقشی همیشگی داشته است. این نگرش سنتی در آفرینش هنری بهرام بیضایی تاثیر نهاده و در آثار او با تنوع نوآورانه و زرف بینی ویژه همراه شده است.

آقای نجفی در این زمینه گفت: "شالوده ساختاری این قبیل آثار را می توان در این طرح ساده خلاصه کرد: آدمیزادی از اقلیمی دور و ناشناخته به محیط داستانی اثر گام می گذارد (سفر می کند)، در این محیط که او غریبه ای بیش نیست

همواره احساس بیگانگی و گمشدگی دارد. تلاش خستگی ناپذیر او برای کنار آمدن با محیط بیگانه به شکست می انجامد و سرانجام او به ترک محیط ناگزیر می شود. این شما یا طرح ساختاری در کاملترین و مهمترین فیلم بیضایی (غریبه و مه) به تمامی منعکس است و در سایر فیلمهای او با دیگر گونی هائی به فراخور شرایط هر داستان با رنگمایه های گوناگون دیده می شود. عنصر مرکزی در این فراگرد غربت است و کشمکش دراماتیک هر روایتی از نبرد بی امان و تلاش خستگی ناپذیر فرد غریبه برای غلبه بر آن فراهم می شود، به گونه ای که هر اثر حکایتی است از غربت در محیطی ناساز و بیگانه ستیز.

نجفی عنصر آگاهی را در تمام "غریبه" های بیضایی می بیند و سفر آنها را همچون سفر در فضاها و حکایات کههن نه گشت و گذاری بیهوده که از سر مقصود و هدفی می داند. وی آنگاه به کنکاش اجتماعی و روانشناسانه هدفهای "غریبه" های بیضایی می پردازد. زن در آثار بیضایی از دیدگاه علی امینی نجفی "موجود اسطوره ای است که همواره با وجود غریبه در محیط بیگانه بوده است. معمولاً با ورود زنی یا سیمای آرمانی و نیمه اسطوره ای بارقه عشق به فضای تاحدی تاریک و افسرده فیلم می آید."

او در بخش دیگری از سخنانش در رابطه با زبان رمزی سینمای بیضایی این موضوع را بیشتر می شکافد: "گردونه حیات در قلمرو سینمای بیضایی به نیروی تصاویر و نمادهای رمزی، سیماها و آئین های اساطیری می چرخد. برجسته ترین سیمای اسطوره ای در این فیلمها بی گمان از آن ناهید (آناهیتا) فرشته نگهبان آب واله باروری در اساطیر ایران باسحان است. عاطفه (رگبار) رعنا (غریبه و مه) و تارا (چریکه تارا) هر یک نشانی از او دارند، تا به ناشی (باشو) می رسیم که به شهادت خود فیلمساز از سیمای این ایزد بانو گرت برداری شده و حتی نامش برگرفته از نام اوست."

نجفی در انتها متذکر شد که فیلمهای بهرام بیضایی از نظم و مناسبات خود ویژه ای برخوردار است. این واقعیت که برخی از آئین ها و تصاویر رمزی در این فیلمها با واقعیت روزمره ناهمخوان هستند اهمیت فائوی دارد، مهم آن است که دارای نظم و سرشت دنیای هماهنگ خود مداری هستند.

آقای حمید فدوی نیز به نوبه خود به تحلیل آثار بیضایی پرداخت. وی ابتدا متذکر شد که در دوران مورخ تاریخ سینمای ایران کمتر فیلمسازی همچون بهرام بیضایی مزودی مهربی محافل رسمی و به قول خودش "جرگه ای" سینمای ایران بوده است. سپس با مروری کوتاه بر نقد های غیر جدی، منتقدین آثار بیضایی به ساختمان بندی و شخصیت پردازی کارهای او پرداخت و آنها را در ردیف کارهای کلاسیک دراماتیک رده بندی کرد که هر لحظه وقایع و شخصیتها به درون و مرکز یک دایره حادثه ای - حرکتی کشیده می شوند که بیننده در مرکز این دایره قرار دارد، با یک آغاز و یک فرجام منطقی.

حمید فدوی معتقد است که در تمامی کارهای بیضایی این معادله به این صورت شکل می گیرد که هسته مرکزی دراماتیک، همیشه یک جامعه بزرگ (شهر یا ده) و یا یک جامعه کوچک (خانواده) است که آمدن غریبه ای تغییر و تحول را در آن ممکن می سازد. بدون این غریبه گویا این روند تحولی غیر ممکن

## "تحول سینمای ایران و چشم انداز آن برای سال ۲۰۰۰"

است. وی با ارائه نمودارهایی در رابطه با فیلمهای بیضایی ارزیابی های خود را مستدل ساخت. نقش زن در آثار بیضایی نیز بخشی از سخنان فدوی را تشکیل می دهد. او نشان داد که چگونه این نقش در آغاز کار بیضایی کم رنگ بود و به مرور به محور اصلی فیلمهای او بدل گشت. فدوی، بیضایی را فیلمساز غیر مذهبی خواند چرا که او به جهان پیرامون دیدی دیالکتیکی و جدلی دارد. . . انسان - محور کارهای او - گناهکار با لفظه نیست. . . قهرمانان فیلمهای اسیر دست تقدیر نیستند و بیخت خویش را برای واژگون کردن شرایط دارا هستند. . . و در یک روند دیالکتیکی که نه خوب و نه بد مطلق جایب دارند، قهرمانان، یک به یک آینده را از آن خود می کنند. "اشارات کوتاهی نیز به "مشکل پدر" در آثار بیضایی شد که به دلیل محدودیت وقت موضوع ناروشن باقی ماند.

هرمز کی این بار بدیده مخملباف را بررسی کرد و او را همچون کیمیایی برخاسته از جامعه خواند. از نظری بارطغیانگری و تاثیر آثار کیمیایی بر جامعه پیش از انقلاب، پس از انقلاب در آثار محسن مخملباف نمود می یابد. آقای هرمز کی نقطه نظرات به غایت بسته و یکسویه مخملباف را در آغاز دنبال می کند و نشان می دهد که با هر اثر چگونه "سینما مخملباف را عرض می کند. وی اولین فیلم او را

دستفروش می داند و روی او ریش را به آلبرتو مورواوی (نویسنده فید ایالتیایی) در این آغاز گشایش اندیشی او می شمارد. بعدها مخملباف با آثاری چون نوبت عاشقی و شبهای زاینده رود با پرداخت موضوع به عشق زمینی (ونه روحانی) عملاً خطر می کند. هرمز کی ناصرالدین شاه آکتور سینما را ادای دین مخملباف به تاریخ سینمای ایران ارزیابی می کند، موضوعی که در ابتدای راه مخملباف نه تنها به اعتقاد نداشت بل علیه آن نیز در هر جای موضع می گرفت.

با این سخنرانی بررسی آثار چند فیلمساز ایرانی پایان می یابد اما نباید فراموش کرد که جای بررسی کارهای کارگردانان مطرحی چون داریوش مهرجویی، سهراب شهید ثالث، امیر نادری، سوسن تسلیمی، ناصر زراعتی، پرویز صیاد (که گویا قرار بود در این سمینار حضور داشته باشد)، رضا علامه زاده و . . . که در خارج از کشور بسر می برند می توانست آثار برابتر کند. دوم آنکه مباحث در زمینه عرصه های مختلف سینمای نا کافی بود. تنها بررسی تاریخی آن و پرداختن به مسئله دیپلاز، از میان جوانب گسترده و گوناگون سینما - از فیلمبرداری و بازیگری گرفته تا موسیقی متن و تدوین و غیره - ناقص می نمود. و سوم اینکه مباحث سینمای ایران علاوه بر جنبه های تاریخی نگاری آن مباحث اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی گسترده های رانیز شامل می شود. واقعیت اینست که به جز چند مورد، اکثر سخنرانان سخنرانی های بیضایی را تاریخ سینمای ایران داشتند. عرصه های فرهنگی و هنری در ایران امروز بیش از هر زمانی نیازمند رفرکهای پژوهشی - تحلیلی است. مثلاً پرداختن به لمپنیسم در سینمای ایران، ریشه های اجتماعی آن، تماشاگران این نوع سینما، زمینه های گسترش آن و غیره از این نمونه هاست، کاری که محله فیلم چند سال پیش در پرونده های ویژه انجام داد.

با اینهمه اما، تشکیل چنین سمینارهایی با تمام مشکلات برگزاری و علیرغم کاستی های آن مثبت و مفید است. سمینارهای آینده انجمن پژوهشگران ایران که در ماههای فوریه و مارس برگزار می شوند به چهار گرایش سیاسی - اجتماعی ایران (چپ، ملی، سلطنت و مذهب) در چهار روز مختلف خواهند پرداخت.

۳۳-۳۴ - عنصر طنر در این سینما جانی ندارد و چرا چنین سینمایی بیشتر در جامعه مهاجرین مطرح است مشکل انطباق با وضعیت جدید رانیز کم رنگ بازتاب می دهد و بیش از هر چیز برخورد سیاسی صرف با علل مهاجرت را منعکس می کند.

آخرین سخنران سمینار آقای فریدون معزی مقدم بود که به علت گستردگی و فراگیری بودن بحث ایشان با اشاراتی به مضمون گفته های او منتظر می مانیم تا نوشته ارزشمندشان منتشر شود. در این مبحث آقای مقدم به همان بحث مرکزی کنونی در محافل روشنفکری ایران یعنی رابطه جامعه مشرق زمین و غرب یا به تعبیری چگونه برخورد با مدرنیته - بویژه در عرصه سینما - پرداخت. وی متذکر شد که پژوهش سینمایی در این مورد در ایران هنوز نقشی ندارد و باید روی آن کار کرد. او با طرح چند سؤال از قبیل اینکه چرا شرق همیشه مجذوب غرب است؟ ملاک چیست؟ سینما در این میان چه نقشی دارد؟ به بررسی تاریخی این موضوع پرداخت. سخنرانی ایشان که در مقاله ای طولانی تنظیم شده بود همچون سایر سخنرانیها که اکثر به دلیل محدودیت وقت تا تمام ماندند قرار است جداگانه در مجموعه ای از سوی انجمن پژوهشگران ایران منتشر شود.

کاستی های اصلی سمینار تحول سینمای ایران و چشم انداز آن برای سال ۲۰۰۰ را می توان در سه مورد خلاصه کرد. یکی عدم حضور سینماگران و نویسندگان سینمایی مطرح ایران بود که چنانچه دسترسی به داخل کشور - جانی که روشنفکران بسیاری در این زمینه کاری کنند - مقدور نبود لاقول شرکت برخی از آنها چون پرویز دواتی، سهراب شهید ثالث، امیر نادری، سوسن تسلیمی، ناصر زراعتی، پرویز صیاد (که گویا قرار بود در این سمینار حضور داشته باشد)، رضا علامه زاده و . . . که در خارج از کشور بسر می برند می توانست آثار برابتر کند. دوم آنکه مباحث در زمینه عرصه های مختلف سینمای نا کافی بود. تنها بررسی تاریخی آن و پرداختن به مسئله دیپلاز، از میان جوانب گسترده و گوناگون سینما - از فیلمبرداری و بازیگری گرفته تا موسیقی متن و تدوین و غیره - ناقص می نمود. و سوم اینکه مباحث سینمای ایران علاوه بر جنبه های تاریخی نگاری آن مباحث اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی گسترده های رانیز شامل می شود. واقعیت اینست که به جز چند مورد، اکثر سخنرانان سخنرانی های بیضایی را تاریخ سینمای ایران داشتند. عرصه های فرهنگی و هنری در ایران امروز بیش از هر زمانی نیازمند رفرکهای پژوهشی - تحلیلی است. مثلاً پرداختن به لمپنیسم در سینمای ایران، ریشه های اجتماعی آن، تماشاگران این نوع سینما، زمینه های گسترش آن و غیره از این نمونه هاست، کاری که محله فیلم چند سال پیش در پرونده های ویژه انجام داد.

با اینهمه اما، تشکیل چنین سمینارهایی با تمام مشکلات برگزاری و علیرغم کاستی های آن مثبت و مفید است. سمینارهای آینده انجمن پژوهشگران ایران که در ماههای فوریه و مارس برگزار می شوند به چهار گرایش سیاسی - اجتماعی ایران (چپ، ملی، سلطنت و مذهب) در چهار روز مختلف خواهند پرداخت.

ه احمدیان

## گزارشی از جشن پیست و سومین سال بنیادگذاری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در آلمان

# دست پر از ستاره و جانت پر از بهار زیبایی ای درخت!

عصر روز یکشنبه ۲۴ بهمن ۷۲ (۱۳ فوریه) است. جمعیتی انبوه در سالن فروم شهرین در انتظار آغاز جشن پیست و سومین سالگرد جنبش فدایی برپرده عریض سالن چشم دوخته اند. رنگین کمائی از نور سبز و سفید و سرخ، به نشانه پرچم ایران برپرده تابیده است. فضای سالن را ترنم دلنشین ترانه سروده های جنبش فدایی به عطر خاطره های زیبا و شورانگیز آغشته است. در گوشه و کنار سالن دیدارهای دوستانه تازه می شوند؛ و شور و شوق و شادی برانبوه جمعیت حاکم است. جمعیتی به شمار بیش از هزار و دو بیست نفر.

برده کنار می رود. تابلی زیبایی که به وسعت دیوار پشت صحنه گسترده شده در ترکیبی از نورهای چشم نواز به تدریج نمایان می شود. بر تابلی زیبایی پشت صحنه رنگها می رقصند؛ رنگها حرف می زنند؛ رنگها شور می آفرینند. و از آمیزه دلنشین شان، در عمق پرده نقاشی، پنج انسان - شاید به نشانه انسانهای پنج قاره جهان - دست در دست، گویی که دنیا می شود و صلح آمیز را می خواهند بسازند، هماهنگ و زیبا گرد بر گرد هم در پیش و حرکتند.

یکی از مجریان پای میکروفون بیاد آنان که جان در راه نهادند، حاضرین را به قیام و سکوت فرا می خواند. و لحظه های سکوت بستر مناسبی برای پرواز اندیشه هاست در آسمان آبی آرمانهای انساندوستانه آزاد زنان و آزاد مردانی که جان در راه نهادند.

و آنگاه سرود "تورا ای کهن یوم و بردوست دارم" سالن را فرا می گیرد. با پایان سرود شور و شوق میهن دوستانه در کف زدن حاضرین جلوه می کند و فضای سالن به تسخیر شوق میهن دوستی درمی آید.

مجری دیگری پای میکروفون قرار می گیرد و تاریخ جنبش فدایی را از نوشته ای که در دست دارد با بیانی عاطفی می خواند. در متن بیان تاریخ جنبش فدایی، نغمه ها و ملودی های آشنا زمینه ساز تجسم سالهای پرفراز و نشیب این جنبش است. اندیشه ها با هر نغمه آشنا در آسمان خاطرات جنبش فدایی به پرواز درمی آیند. ... و بدین سان جشن پیست و سومین سالگرد جنبش فدایی در فضای آکنده از شور و شعور، و زیبایی و صمیمیت آغاز می شود.

تو قامت بلند تمنای ای درخت  
همواره خفته است در آغوش آسمان  
بالای ای درخت!

سخن از جنبشی بود که در زرفای استبداد جوانه زد و چشم دل به آرمان های نیک و انسانی دوخت و علیرغم تحمل زخم هایی کاری و سنگین در زمانی کوتاه به درختی تنومند بدل شد. درختی که هر روز پرشکوفه و پرشکوفه تر شد.

دست پر از ستاره و جانت پر از بهار  
زیبایی ای درخت!

سخن از جنبشی می رفت که نشان از دوره هایی از روشنگری و روشن نگری دارد. سخن از جنبش فداییان خلق می رفت.

وقتی که با دها  
در برگیر های درهم تولانه می کنند،

وقتی که با دها  
گیسوی سبزم تو را شانه می کند  
غوغائی ای درخت.  
از پا بر جایی این جنبش و از غلغل این پا بر جایی سخن می رفت:

چون با هزار رشته، تو با جان خاکیان  
پیوند می خوردی  
پروا مکن ز زرد

پروا مکن ز برف که بر جایی ای درخت.

در پایان بیان عاطفی تاریخ جنبش فدایی در حالی که نغمه موسیقی محلی آشنایی، متن را همراهی می کرد، با شعری از شاملو به حاضرین خوش آمد گفته شد:

من با تو تنها نیستم  
هیچکس با هیچکس تنها نیست  
شب از ستاره ها تنها تراست

به تو سلام می کنم  
کنارت می نشینم...

پس از خوش آمد گویی پیام شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) طنین افکن شد؛ ما به

ایران (اکثریت) بود که بست تریبون قرار گرفت. وی با تاکید بر آرمان های بنیان گذاران سازمان و تجارب گذشته، اظهار امیدواری کرد که با اتحاد نیروهای خواهان دموکراسی در چارچوب یک جبهه جمهوری و نیز با تکیه بر اتحاد عمل های وسیع تر، قدرت از حاکمان نالایق کشور سلب شود و یک جمهوری دموکراتیک در میهن مان استقرار یابد.

در این بخش از برنامه ها گروه رقص های ایرانی بهار به هنر نمایی پرداخت. نوجوانان این گروه به اجرای رقص های گوناگون و زیبای بخش های مختلف ایران پرداختند.

میهمان دیگر جشن ۲۳ سالگی جنبش فداییان خلق، شوان، هنرمند نامی کرد بود. شوان با ترنم ترانه های سیاسی و ملی، غم آلود، عاطفی و شاد بر غنای جشن افزود. هم میهمان کرد حاضر در جشن به همراه دیگر هموطنانشان با اجرای رقص شاد و پرتحرک کردی با شوان همراهی کردند.

در بخش دوم برنامه ها ویگن خواننده نامی به صحنه آمد. قصه ها گفت از "آوازه خوان های مردم پاک" و



مسئولیت ملی خود عمل خواهیم کرد!

بیست و سه سال پیش در روزهای سرد بهمن ۴۹، گروهی کوچک که آرزوهای بزرگ در سر داشتند، جان خویش را شعله ساز جنبشی کردند که سودای آزادی، عدالت و سوسیالیسم در سر داشت. آنان در جنگل سیاهکل شعله آغاز نبرد را برافروختند که نقطه امید و تکیه نسلی نو شد. نسلی که امروز با زهم در سرش همان آرزوهاست.

سپس خانم بهرخ بر صحنه ظاهر شد و با اجرای ترانه سرود های دل نشین سازمان، شرکت کنندگان را در کوچه باغ های خاطرات فریاد.

اینک این رفیق بهزاد کریمی، از یاران دیرباز جنبش فداییان خلق و عضو شورای مرکزی سازمان فداییان خلق

نغمه ها و ترانه ها خوانند از روزها و لحظه های شاد و غمگین زندگی. ویگن دوبار بر صحنه آمد و در میان دو بخش از هنر نمایی های او رقصنده های هنرمند گروه "بهار و نیز خانم بهرخ، بار دیگر بر صحنه آمدند و شور و شادی آفریدند. و جشن با آهنگهای خاطره انگیز ویگن که رنگ کوچکی های "خاطرات ایران" را داشت پایان پذیرفت.

جشن مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت بزرگداشت بیست و سومین سالگرد اعلام رسمی موجودیت جنبش فداییان خلق تا پاسی از شب ادامه یافت.

استقبال از این جشن چشم گیر بود. به گونه ای که تنها در نتیجه تلاش بی حد مسئولان برگزاری جشن، امر مهم پذیرائی از شرکت کنندگان امکان پذیر شد.

## جشن سالگرد بنیانگذاری جنبش فداییان در سوئد

بعد از ظهر روز شنبه ۱۲ فوریه مراسمی به مناسبت بیست و سومین سالگرد جنبش فداییان ایران در شهر استکهلم سوئد برگزار گردید.

این جشن که از سوی شورای هماهنگی فداییان خلق ایران (اکثریت) در سوئد تدارک دیده شده بود با حضور دوستان سازمان گرما یافت. مراسم با خوش آمد گویی به میهمانان و یک دقیقه سکوت بیاد شهیدای گرانقدر سازمان و جنبش آزاد یخواهی مردم ایران آغاز شد. پس از آن پیام شورای مرکزی سازمان به مناسبت ۱۹ بهمن قرائت گردید، در پی قرائت پیام بخش هنری برنامه ها آغاز گردید. از جمله برنامه های هنری اجرای ترانه های گوناگون فارسی، بلوچی، گیلکی، آذری و کردی توسط هنرمندانی بود که با صدای گرم خود شور خاصی به جشن بخشیدند. در قسمتهای دیگر برنامه میهمانان شاهد اجرای رقصهای محلی ایرانی بودند.

مراسم جشن بیست و سومین سالگرد بنیانگذاری جنبش فداییان خلق ایران به همت و تلاش رفقا و دوستان برگزار کننده در فضائی شاد در ساعت ۱۱ شب پایان یافت.

## پیامهای تبریک

واحد های سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، در برخی از کشورها، با ارسال پیام هایی به شورای مرکزی، بیست و سومین سالگرد بنیانگذاری جنبش فداییان خلق را گرمی داشته اند:

● فداییان خلق در زاین در قسمتی از پیام خود نوشته اند:

"امید داریم از این راه دور بهترین تبریکات و درود های گرممان را به مناسبت ۱۹ بهمن بیست و سومین سالگرد تولد سازمان پذیرا باشید. اگر چه نمی توانیم در جشن شما در اروپا شرکت کنیم، اما با تمام وجود دستان هم را رقیای برگزار کننده جشن و شرکت کنندگان در آن را می فشاریم و از طریق شمار رقیای رهبری به تمام رقیای فدایی درود های رفیقانه می فرستیم. به امید اینکه دست سینه ارتجاع، برای همیشه به نیروی اتحاد و مبارزه انسان های آزادی خواه، عدالت جوی و صلح طلب قطع گردد و نور آزادی و دموکراسی در تمام نقاط میهنمان پرتو افشانی کند و در چنین فضای آزادی، تولد سازمان خود را در میان جمع رفقا و در کنار هم میهمان عزیزمان جشن بگیریم.

● فداییان خلق در شرق آمریکا در پیام خود به شورای مرکزی از جمله نوشته اند:

"در شرایط شکست انقلابمان و بحران حاکم بر جنبش جهانی و فشار هم جانبه نیروهای طرفدار سرمایه به گونه های مختلف، برای درهم شکستن بنیانهای فکری، سیاسی و تشکیلاتی مجموعه چپ، بگذاریم با تکیه به سنت های انقلابی و به اتکاء به مارکسیسم، نیرویمان را برای برون رفت از بحران و نبرد قطعی علیه نظام جمهوری اسلامی به کار گیریم. در مقطع کنونی تلاش همه جانبه برای اتحاد نیروهای چپ به موازات تلاش برای تشکیل جبهه وسیع علیه رژیم ولایت فقیه، در خدمت چنین هدفی قرار دارد.

واحد سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) شرق آمریکا، با آرزوی بهترین موفقیت ها در مبارزه سترگ مشترکمان علیه امپریالیسم و به خاطر دموکراسی و سوسیالیسم، در بیست و سومین سالگرد جنبش فداییان خلق، درود های رفیقانه خود را کنار رقیای شورای مرکزی و تمامی رقیای سازمان در اقصی نقاط جهان می کند.

### فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید  تمدید اشتراک   
مدت اشتراک: شش ماه  یکسال

نام: ..... تاریخ: .....

آدرس: Name: \_\_\_\_\_

Address: \_\_\_\_\_

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایید.

### بهای اشتراک "کار"

اروپا:

ششماه ۴۵ مارک

یکسال ۹۰ مارک

سایر کشورها:

ششماه ۵۲ مارک

یکسال ۱۰۴ مارک

"کار" ارگان مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.

حساب بانکی: M.ABD  
آدرس: RUZBEH  
NR\_35263011  
POSTFACH 1810  
کد پانک: 37050198  
52020 AACHEN  
Stadtsparkasse Köln  
GERMANY  
GERMANY

شماره فکس: Fax: 0049 \_ 221 \_ 3318290

### ساریوو منشا یک بحران بین المللی؟

ادامه از صفحه ۱۲

خاطر نشان کردند که برای حملات نظامی، موافقت قبلی شورای امنیت ضروری است. سخنگوی دبیرکل سازمان ملل، روز ۲۰ بهمن در نیویورک گفته غالی فعلاً از سوی شورای امنیت اختیار صدور دستور حملات هوایی را ندارد. این سخنگو گفت: "دبیرکل، اجازه شورای امنیت برای استفاده از نیروی هوایی را دارد. این اختیار فعلاً شامل حملات هوایی نمی‌شود. اگر توافق آتش بس و جزئیات آن، از سوی همه طرفها پذیرفته شود، شاید دیگر ضرورتی برای حملات هوایی نباشد."

روز ۲۶ بهمن، یلتسین رئیس جمهور روسیه پس از دیدار با جان میجر نخست وزیر بریتانیا در مسکو، تأکید کرد کشورش اجازه نخواهد داد هیچ کس بکوشد بحران بوسنی را با دوزدن روسیه حل کند. آندره کوزیرف وزیر خارجه روسیه در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل، بر مخالفت کشورش با حملات هوایی احتمالی غرب به صرب‌های بوسنی تأکید ورزید. با این حال، دوزپس از اتمام حجت ناتو به صرب‌ها، سفیر شوروی در سازمان ملل و سپس وزیر خارجه این کشور گفتند که روسیه علیه تصمیم احتمالی شورای امنیت سازمان ملل دایر بر حمله به صرب‌ها، به حق و توی خود متوسل نخواهد شد.

یونان که در نیمسال جاری، ریاست اتحادیه اروپا را بر عهده دارد، اعلام کرد دخالت نظامی غرب، باعث درگیری "جنگی به وسعت کل بالکان" خواهد شد. وزیر خارجه یونان، این احتمال را منتفی خود را از هوایماهای آواکس ناته فرا خوانده، پایگاه ناتو در جزیره یونانی کورفورابندد.

شورای ناتو روز چهارشنبه ۲۰ بهمن توافق کرده صرب‌های بوسنی اولتیماتوم دهد در صورتی که ظرف ده روز سلاحهای سنگین خود را از منطقه پیرامون ساریوو عقب نکشند یا تحت کنترل سازمان ملل قرار ندهند، مواضعشان مورد حمله هوایی قرار خواهد گرفت. در آستانه اتخاذ این تصمیم ناتو، صرب‌های بوسنی ظاهراً در تلاش برای تأثیر گذاشتن بر موضع ناتو، با برقراری آتش بس در ساریوو موافقت کردند و به سازمان ملل در مورد بیرون بردن سلاحهای سنگین خود از منطقه ساریوو قول مساعد دادند. اما این امر نتوانست ناتو را از دادن اولتیماتوم به صرب‌ها باز دارد. شورای ناتو پس از مذاکرات نسبتاً کوتاهی تصمیم گرفت طرحی را که روز سه شنبه ۱۹ بهمن از سوی آمریکا و فرانسه برای اتمام حجت به صرب‌ها ارائه شده بود، مبنای مذاکرات خود قرار دهد. در این طرح، از صرب‌ها خواسته شده است توپخانه خود را ظرف هفت الی ده روز، حداقل تا بیست کیلومتری مرکز شهر ساریوو عقب بکشند. این طرح تهدید کرده است در صورت خودداری صرب‌ها از انجام این عقب نشینی، ناتو دست به حملات هوایی هدفمند علیه مواضع صرب‌ها خواهد زد.

در طول هفته پس از حادثه خونین ۱۶ بهمن ساریوو، طرفهای جنگ در این منطقه، آتش بس را که با میانجیگری نیروهای سازمان ملل در مورد برقراری آن به توافق رسیدند، رعایت کردند. هفته گذشته، بدنال اولتیماتوم ناتو، صرب‌های بوسنی بخشی از توپخانه خود در اطراف ساریوو را تحت

علیه محاصره کنندگان ساریوو گردید. سخنگوی دولت بن اظهار داشت دیگر نباید وارد آوردن ضربات هدفمند نظامی را منتفی کرد. فرانسه، جامعه بین المللی را فراخواند فوراً برای پایان دادن به محاصره ساریوو چاره جویی کند. وزارت خارجه فرانسه اعلام کرد سازمان ملل و ناتو باید در اسرع وقت راه شکستن محاصره ساریوو را هموار کنند، و بدین منظور باید به حملات هوایی متوسل شوند. جان میجر نخست وزیر بریتانیا از کشورهای غربی خواست به تدابیر فوری و مؤثر برای حفاظت از مردم ساریوو متوسل شوند. میجر افزود کشتار ۱۶ بهمن در ساریوو،

"موقعیت جدیدی ایجاد کرده است، و در این موقعیت، غرب باید قدرت نمایی کند. قبلاً بریتانیا همواره با این استدلال که دخالت نظامی غرب، باعث دامن زدن به جنگ شده، نیروهای سازمان ملل را به خطر خواهد افکند، با اقدامات نظامی مخالفت می‌کرد. روز دوشنبه ۱۸ بهمن، وزرای خارجه اتحادیه اروپا برای مشورت پیرامون بحران بالکان، در بروکسل تشکیل جلسه دادند. در این جلسه، وزرای خارجه اتحادیه اروپا از حمله هوایی به ناطقی که ساریوو از آنجا زیر آتش قرار می‌گیرد، جانبداری کردند. اجلاس وزرای خارجه کشورهای اروپای غربی، بیانیه‌ای را تصویب کرد که خواستار پایان دادن به محاصره ساریوو با توسل به همه ابزارها شده است. اتحادیه اروپا از ناتو خواست بنا بر دیگر امکان حملات هوایی را بررسی کند. بیل کلیتون رئیس جمهور آمریکا نیز ناتو را فراخواند که آماده حملات هوایی شود. پطرس غالی دبیرکل سازمان ملل روز یکشنبه ۱۷ بهمن، از ناتو خواهان تدارک حملات هوایی شد. در پاسخ به این فراخوان، وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد پیمان آتلانتیک شمالی، ظرف چند روز درباره نحوه واکنش خود تصمیم خواهد گرفت.

سازمان کنفرانس اسلامی نیز خواهان تشکیل جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد شد. علی عزت بیگ اویچ رئیس جمهور مسلمان بوسنی-هرزه گوین، خواستار بمباران مواضع صرب‌ها و تحویل اسلحه به دولت خود گردید. وی با این حال اعلام کرد علیرغم حملات اخیر صرب‌ها، در مذاکرات ۲۱ بهمن در ژنو پیرامون جنگ داخلی بوسنی شرکت می‌کند. واکنش روسیه در برابر کشتار ساریوو، با واکنش غرب تفاوت داشت. وزارت خارجه روسیه پس از حادثه ۱۶ بهمن، خواستار تحقیقات سریع برای تعیین مسئولیت حمله به بازار ساریوو و افزود مقصر هر کس که باشد، باید به شدت مجازات شود. روسیه، به شدت مخالفت اقدام نظامی ناتو در بوسنی است. پس از درخواست دبیرکل سازمان ملل از ناتو برای تدارک حملات هوایی، در این باره که آیا ناتو مجاز است علیرغم مخالفت روسیه به مثابه عضو دائمی شورای امنیت، در بوسنی مداخله کند یا نه، اختلاف نظر پیش آمد. پطرس غالی به قطعنامه ۸۳۶ شورای امنیت استناد کرده است که به موجب آن، تدابیر نظامی در دفاع از مناطقی که سازمان ملل، آنها را مناطق حفاظت شده اعلام می‌کند، مجاز شمرده شده است. اما برخی از کشورها

### تشکیل کمیته تحقیق در باره به توپ بستن پارلمان روسیه

دوما، مجلس نمایندگان پارلمان روسیه، علیرغم مخالفت یلتسین رئیس جمهور این کشور تصمیم گرفت برای رسیدگی به علل و شرایط وقوع مکرر کمیته تحقیق ویژه‌ای تشکیل دهد. همزمان با اتخاذ این تصمیم در پارلمان، نشانه‌هایی دیده می‌شود حاکی از اینکه یلتسین در صدد است تقصیر به توپ بستن پارلمان را که طبق آمار رسمی ۱۵۰ کشته به جای گذاشت، به گردن یگور جیدروسایر اصلاح طلبان افراطی بگذارد که اخیراً پس از شکست در انتخابات پارلمان، از شرکت در دولت جدید خودداری کردند. رئیس جمهور روسیه معمولاً اظهارات خود را در چنین مواردی نه مستقیماً، بلکه از طریق "نزدیکان" خود به اطلاع افکار عمومی می‌رساند. هفته‌نامه "تویه ورمیا" اخیراً مصاحبه‌ای با منابع نزدیک به رئیس جمهور و بدون ذکر اسم این منابع به چاپ رساند. در این مصاحبه گفته می‌شود یلتسین تصمیم به صدور دستور حمله به ساختمان پارلمان را با فشار و عذاب زیاد گرفت. این گزارش می‌افزاید یکی از مشاوران یلتسین بنام ولکوگوف مدت زیادی وقت صرف این کرد که رئیس جمهور را قانع کند باید "کانون مخالفت یعنی پارلمان را از میان برد، چرا که در غیر این صورت، بخشی از ارتش به مخالفان می‌پیوندد و جنگ داخلی درمی‌گیرد. در ادامه این مصاحبه آمده است اگر یلتسین می‌دانست که در روزهای ۱۱ و ۱۲ مه ماه چه اتفاقی می‌افتد، هرگز فرمان ۳۰ شهریور خود را در برابر پارلمان را امضا نمی‌کرد.

همچنین هفته‌نامه "اخبار مسکو" که تا کنون از یلتسین جانبداری کرده است، اواخر ژانویه یگور جیدروسایر سابق نخست وزیر را مسئول حوادث اواخر شهریور و اوایل مهر معرفی کرد. این هفته‌نامه می‌نویسد جیدرو وقتی در شهریور ماه توسط یلتسین وارد ترکیب کابینه شد، به عنوان معاون نخست وزیر تحت مسئولیت چرونمیردین رئیس دولت فرارنگرفت، بلکه از موقعیت ویژه‌ای برخوردار شد و مستقیماً تابع یلتسین گردید. به نوشته "اخبار مسکو"، جیدرو توانست برخلاف سایرین، افکار خود را بلا واسطه و نه از طریق مشاوران رئیس جمهور به یلتسین برساند. "اخبار مسکو" می‌نویسد این جیدرو بود که یلتسین را متقاعد کرد پارلمان را منحل کند، و می‌افزاید جیدرو بر برگزاری فوری انتخابات پارلمانی اصرار ورزید و به یلتسین اطمینان داد گروه "انتخاب روسیه" آش به اکثریت پایدار می‌تواند دست خواهد یافت. در ادامه گزارش "اخبار مسکو" آمده است از ماه نوامبر به بعد، جیدرو اعلام کرده است که وضعیت مالی دولت در کنترل کامل "اوست و وی قادر است هر تصمیم اقتصادی که بخواهد را تحقق بخشد.

برخی خبرنگاران غربی می‌گویند در مسکو شایع است جیدروسایر از انتخابات، ارتباط مستقیم با یلتسین را از دست داد و با استعفا خود، بر برکناری اش پیشدستی کرد. "تویه ورمیا" از قول مشاوران یلتسین که نام آنها را فاش نکرده است، می‌نویسد اصلاحات ناموفق جیدرو، برای یلتسین پدیده زیرینوسکی را به ارمغان آورده است. این مشاوران می‌افزایند زیرینوسکی و حزب موسوم به "لیبرال دمکرات" او برای یلتسین و نزدیکانش "از جدی ترین مسائل است.

معاون سابق نخست وزیر را مسئول حوادث اواخر شهریور و اوایل مهر معرفی کرد. این هفته‌نامه می‌نویسد جیدرو وقتی در شهریور ماه توسط یلتسین وارد ترکیب کابینه شد، به عنوان معاون نخست وزیر تحت مسئولیت چرونمیردین رئیس دولت فرارنگرفت، بلکه از موقعیت ویژه‌ای برخوردار شد و مستقیماً تابع یلتسین گردید. به نوشته "اخبار مسکو"، جیدرو توانست برخلاف سایرین، افکار خود را بلا واسطه و نه از طریق مشاوران رئیس جمهور به یلتسین برساند. "اخبار مسکو" می‌نویسد این جیدرو بود که یلتسین را متقاعد کرد پارلمان را منحل کند، و می‌افزاید جیدرو بر برگزاری فوری انتخابات پارلمانی اصرار ورزید و به یلتسین اطمینان داد گروه "انتخاب روسیه" آش به اکثریت پایدار می‌تواند دست خواهد یافت. در ادامه گزارش "اخبار مسکو" آمده است از ماه نوامبر به بعد، جیدرو اعلام کرده است که وضعیت مالی دولت در کنترل کامل "اوست و وی قادر است هر تصمیم اقتصادی که بخواهد را تحقق بخشد.

برخی خبرنگاران غربی می‌گویند در مسکو شایع است جیدروسایر از انتخابات، ارتباط مستقیم با یلتسین را از دست داد و با استعفا خود، بر برکناری اش پیشدستی کرد. "تویه ورمیا" از قول مشاوران یلتسین که نام آنها را فاش نکرده است، می‌نویسد اصلاحات ناموفق جیدرو، برای یلتسین پدیده زیرینوسکی را به ارمغان آورده است. این مشاوران می‌افزایند زیرینوسکی و حزب موسوم به "لیبرال دمکرات" او برای یلتسین و نزدیکانش "از جدی ترین مسائل است.

### اخبار کوتاه از سراسر جهان

#### تهدید نخست وزیر کامبوج علیه خمرهای سرخ

\* شاهزاده رانارید نخست وزیر کامبوج، خمرهای سرخ را تهدید کرد در صورتی که در تلاش برای آشتی ملی شرکت نجویند، ارتش کامبوج دست به یورش علیه آنها خواهد زد. رئیس دولت کامبوج، خواهان آن شد که خمرهای سرخ، به جنگ خاتمه داده و "نزد خانواده‌های خود" بازگردند. دولت کامبوج به خمرهای سرخ وعده داده است در صورت پذیرفتن آتش بس، در دولت شرکت داده خواهند شد.

#### در خواست گرجستان

#### برای اعزام نیروهای پاسدار صلح

\* ادوارد شوارد نادره رئیس جمهور گرجستان خواهان تقبل هزینه نیروهای پاسدار صلح در گرجستان از سوی سازمان ملل شد و افزود روسیه که اخیراً با گرجستان یک قرارداد دوستی امضا کرده است، اعزام نیروهای پاسدار صلح را منوط به پرداخت هزینه این اقدام توسط سازمان ملل کرده است. شوارد نادره گفت از سرگیری جنگ در ابخاز، باردیگر خطر یک "فاجعه انسانی" را ایجاد کرده است. رئیس جمهور گرجستان گفت اگر جامعه بین المللی نیروهای پاسدار صلح به گرجستان نفرستد، خون‌های بسیاری ریخته خواهد شد.

#### قربانی‌های تازه در استانبول

\* در انفجار بمبی در ایستگاه قطار حومه استانبول، پنج نفر کشته و ۲۶ تن مجروح شدند. حزب کارگران کردستان (پ. کا. کا.) مسئولیت این بمب گذاری را بر عهده گرفت. کشته شدگان، محصلان یک آموزشگاه درجه داران ارتش بودند. پ. کا. کا. اعلام کرد حملات دیگری علیه اهداف نظامی در شهرهای بزرگ ترکیه انجام خواهد داد. بدنال انفجار بمب در استانبول، مقامات ترکیه اعلام کردند که اماکن عمومی را تحت کنترل شد بدتری قرار خواهند داد. جنگ در مناطق کرد نشین بین نیروهای پ. کا. کا. و ارتش ترکیه ادامه دارد. به گزارش منابع دولتی، در یک درگیری ۱۹ نفر از چریکهای پ. کا. کا. و یک ماورپلیس کشته شدند.

#### مقررات تازه دولت فرانسه علیه خارجیان

\* فرانسه مقرراتی وضع کرده است که به موجب آن، شهروندان ۱۳ کشور، از جمله ایران، بدون داشتن ویزای خروج حق ترک فرانسه را نخواهند داشت. علاوه بر ایرانیان، مقررات جدید که از اول آوریل (۱۲ فروردین) اجرا می‌شود، شامل اتباع ارمنستان، آذربایجان، کره شمالی، گرجستان، عراق، اردن، لبنان، لیبی، سوریه، یمن، سودان و فلسطین خواهد بود.

#### اعتصاب ۱۵۰۰۰ نفری در اندونزی

\* در اندونزی ۱۵۰۰۰ کارگر در یک اعتصاب سراسری شرکت کردند. بدنال این اعتصاب، پلیس سه نفر از رهبران اتحادیه مستقل کارگری اندونزی را به اتهام "شوراندن" کارگران دستگیر کرد. دونفر از دستگیر شدگان، تا هنگام تنظیم این خبر در زندان بودند. این رهبران سدیکی‌بی را خطر محکوم شدن به زندان تا شش سال تهدید می‌کند.

#### ادامه نبرد در کابل

\* نبرد در کابل ادامه دارد. دوطرف، بار دیگر به توپخانه و نیروی هوایی متوسل شدند. درگیری‌ها، در بخش شرقی شهر و در امتداد رودخانه کابل متمرکز است. همچنین نیروی هوایی برهان الدین ربانی رئیس جمهوری، مقر مرکزی حکمت یار را در ۲۵ کیلومتری کابل مورد حمله قرار داد.

چپ با روح همکاری و فراخ اندیشی به مصاف مشکلات جامعه بود. در کنگره حزب کمونیست فرانسه شخصیت‌های مختلف و ۱۲۸ حزب و سازمان خارجی از ۹۵ کشور شرکت داشتند، که در میان آنها میثوان از رمزی کلارک (وزیر دادگستری آمریکا در دوران کارتر)، سه حزب تشکیل دهنده چپ ایتالیا، احزاب کمونیست و کنگره هند... نام برد.

#### بیست و هشتمین...

ادامه از صفحه ۱۲  
"شل روکار رهبر حزب سوسیالیست پس از انتخاب روبرت اوبه رهبری حزب کمونیست، با ارسال پیام برادرانه‌ای برای وی اظهار امیدواری کرد که حزب کمونیست به مثابه بخشی از جنبش



صحنه‌ای از کشتارهای روزمره در ساریوو

روز ۲۵ بهمن، شورای امنیت سازمان ملل بر اولتیماتوم ناتو به صرب‌ها صحه گذارد. با اینکه نماینده چین در مخالفت با این اولتیماتوم سخنانی ایراد کرد، نه روسیه و نه چین از حق و توی خود استفاده نکردند.

کنترل نیروهای سازمان ملل قرار دادند. ارتش بوسنی نیز طبق توافق قبلی، تعدادی از سلاحهای سنگین خود را تحویل دادند. تا صبح روز ۲۵ بهمن، صرب‌ها و مسلمانان ۲۵ قبضه توپ، خمپاره‌انداز و موشک‌انداز را تحت کنترل نیروهای سازمان ملل قرار داده بودند.

کار  
رابطه دوستانه و آشنایان خود  
معرفی کنید!

## اسرائیل و ساف

### در مورد برخی از جزئیات خودمختاری به توافق رسیدند

در مذاکرات میان اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) در قاهره، پیرامون برخی از جزئیات اجرای قرارداد خودمختاری غزه و اریحا توافق حاصل شد. این توافق بدنبال گفتگوهای یاسر عرفات رهبر ساف و شیمون پروزیزر خارجه ساف، که طی آن عرفات و پروزیزر حداقل پنج بار ملاقات کردند، به دست آمد.

اختلافات ساف و اسرائیل، قبل از هر چیز به نحوه کنترل مرزهای مناطق خودمختار و امنیت اهالی شهرکهای یهودی نشین این مناطق مربوط می شود.

یک عضو هیأت نمایندگی اسرائیل در مذاکرات قاهره گفت اگرچه در این مذاکرات پیشرفت هایی بدست آمد، اما متن توافق ها جمله به جمله، کلمه به کلمه تهیه می شود. وی افزود در مورد هر کلمه یک ساعت بحث در می گیرد.

حضور عرفات در قاهره تنها پس از تلاشهای گسترده حسنی مبارک رئیس جمهور و عمرو موسی وزیر خارجه مصر امکان پذیر شد. کمیته اجرایی ساف، نخست تنها با حضور یک عضو این کمیته در گفتگوهای قاهره موافقت کرده بود تا نارضایتی ساف از به تعویق افتادن عقب نشینی

اسرائیل از غزه و اریحا را برآورد. اما مصر، عرفات را قانع کرد که خود به قاهره برود.

هفته گذشته، هیأت های نمایندگی اسرائیل و ساف در شهر طابای مصر به گفتگو برای تدقیق "سند قاهره" که مورد توافق عرفات و پروزیزر گرفته است، ادامه دادند.

هفته گذشته، مذاکرات دوجانبه بین اسرائیل و همسایگان اسرائیل، ادامه یافت. نمایندگان اسرائیل، اردن و لبنان درواشنگتن به گفتگو پرداختند. ناظران می گویند در مذاکرات میان سوریه و اسرائیل، پیشرفتی حاصل نشده است. به گفته شیمون پروزیزر خارجه اسرائیل، امکان حصول توافق در این سطح از مقامات بطور کامل مورد استفاده قرار گرفته اند، یا به عبارت دیگر، تا وقتی دیداری در سطح عالی تری از مقامات دو کشور صورت نگیرد، پیشرفتی حاصل نخواهد شد. به نوشته مطبوعات غرب، این سوریه است که تا کنون با برگزاری اجلاسی از مقامات عالی رتبه تر دو کشور مخالفت ورزیده است.

در پی انتقاد محافل از جهان عرب از توافق های ساف و اسرائیل، نبیل شعث رئیس هیأت نمایندگی فلسطینی ها در مذاکرات خودمختاری، طی مصاحبه ای با روزنامه القدس چاپ بیت المقدس،

اظهار داشت که هیچکس ساف را وادار به پذیرش این توافق ها نکرده است. شعث افزود: ما هر آنچه از دستمان برمی آید برای پیشبرد توافق اسلوان انجام دادیم، علیرغم آنکه هر چه می خواستیم به دست نیاوردیم. در این شرایط، امکان بهتری وجود نداشت.

روزنامه های سوریه، هفته گذشته توافق های قاهره بین اسرائیل و ساف را مورد حمله قرار دادند. روزنامه تشرين نوشت توافق قاهره برای ملت فلسطین یک فاجعه است زیرا بر ادامه اشغال مناطق خودمختار توسط اسرائیل صحنه می گذارد. تشرين از جمله به کنترل کامل مرزهای مناطق خودمختار توسط اسرائیل و امکان تعقیب و مراقبت فلسطینی ها از سوی اسرائیل اشاره دارد.

استدلال اسرائیل در اصرار بر برای کنترل مرزهای مناطق خودمختار، به ویژه مرز نوار غزه و مصر، این است که پلیس فلسطین از عهده حفظ امنیت اهالی شهرکهای یهودی نشین بر نمی آید و نظریه امکان نفوذ افراطیون، به ویژه بنیادگرایان اسلامی، از کشورهای عربی و به ویژه مصر به مناطق خودمختار، حضور ارتش اسرائیل در مرزها الزامی است.

### سارایوو منشا یک بحران بین المللی؟

غیرنظامی که برای تهیه مایحتاج خود به بازار آمده بودند، ۶۸ کشته و حدود ۲۰۰ مجروح به جا گذاشت. بسیاری از مجروحین این فاجعه، دست و پای خود را از دست داده اند.

بدنبال حادثه خونین سارایوو، که در رسانه های گروهی غرب بازنتاب وسیعی یافت، در اروپای غربی و آمریکا بحث پیرامون ضرورت دخالت خارجی در بحران بالکان بالا گرفت. ویلیام پری وزیر دفاع جدید آمریکا که در آن هنگام برای شرکت در کنفرانسی در مونیخ، در آلمان به سر می برد، اظهار داشت ایالات

طی دو هفته گذشته، سیر رویدادهای مربوط به بحران بالکان، به شدت بحرانی شد. در حالی که افکار عمومی جهان، از مدت ها پیش به اخبار کشتار و ویرانی در بوسنی - هرزگوین عادت کرده بود و گزارش های مربوط به جنگ و آتش پس های مکرر نقض شده در این جمهوری پیشین یوگسلاوی، دیگر توجه چندانی به خود جلب نمی کرد، یک حادثه خونین در روز شنبه ۱۶ بهمن، این وضعیت را تغییر داد. در این روز، اصابت یک گلوله خمپاره به میدان بازار مرکزی سارایوو، مرکز بوسنی - هرزگوین، در میان مردم

متحد به پیرامون نحوه واکنش در قبال تحولات جدید بالکان سرگرم تبادل نظر با متحدان خود است. وی خاطر نشان کرد آمریکا حاضر به اقدام یکجانبه در حمله احتمالی سارایوو نیست. پری گفت: ما چنین اقدامی را در شرایطی که ۲۸۰۰۰ تن از سربازان متحدان ما در بوسنی مستقرند، بطور یکجانبه انجام نخواهیم داد.

دولت آلمان تقریباً بلافاصله پس از انتشار خبر کشتار جدید در سارایوو خواهان اقدامات نظامی

ادامه در صفحه ۱۱

### تهدید از راست علیه انتخابات آفریقای جنوبی

حزب با ای. ان. سی. و دولت سفیدپوستان، روز ۱۸ بهمن بدون نتیجه پایان یافت. با این حال، ناظران انتظار دارند این مذاکرات، آخرین گفتگوها قبل از برگزاری انتخابات نباشد. احزاب راستگرا، تا روز شنبه ۲۳ بهمن که آخرین مهلت تعیین شده برای ثبت نام جهت شرکت در انتخابات ششم تا هشتم اردیبهشت ماه آینده بود، ثبت نام نکردند.

رهبران نژاد پرستان سفید پوست

با آغاز مبارزات انتخاباتی در آفریقای جنوبی، تهدیدات نیروهای راست علیه این انتخابات که قرار است بهار آینده برگزار شود، افزایش یافته است. احزاب راستگرای افراطی، که "ائتلاف آزادی" را تشکیل داده اند، شرکت خود در انتخابات ماه آوریل را منوط به برآورده شدن همه خواستههایشان مبنی بر تغییر قانون اساسی آینده آفریقای جنوبی کرده اند. پس از یک

اعمال قهرآمیز افزایش باید. تنها ظرف یک ماه نخست سال جدید میلادی، در این استان ۱۶۱ نفر - اکثر آنها طی درگیری میان طرفداران ای. ان. سی. و اینکاتا - کشته شده اند.

ناظران معتقدند نه افراطیون سفیدپوست و نه اینکاتا قادر نخواهند بود با اعمال قهریه اهداف خود دست یابند، اما تردیدی نیست که مشی این گروه ها به خونریزی وسیعی می انجامد.

### بیست و هشتمین کنگره حزب کمونیست فرانسه

#### پس از ۲۲ سال، ژرژ مارش از رهبری حزب کناره گرفت

بیست و هشتمین کنگره حزب کمونیست فرانسه در روزهای ۱۰ تا ۱۵ بهمن (۲۵ تا ۳۰ ژانویه) در شهر سن آوان (حومه پاریس) با حضور ۱۵۸۱ نماینده برگزار گردید. در این کنگره یک اعلامیه (مانیفست)، برنامه و اساسنامه حزب به تصویب رسید و در ترکیب کمیته مرکزی سابق که اینک کمیته کشوری نامیده می شود نیز تغییر و تحولی صورت گرفت. ژرژ مارش رهبر حزب نیز پس از ۲۲ سال از دبیر کلی حزب کناره گرفت و کمیته کشوری با ۱۳۶ رای موافق و ۷ رای ممتنع روبرو او شهردار یکی از شهرهای فرانسه را به جای وی برگزید.

اعلامیه یا مانیفست حزب مشتمل بر پنج بخش است و مسائل عمده جهان معاصر، شاخص های کنونی جامعه فرانسه، بحران در سیستم جهانی سرمایه داری و در اقتصاد فرانسه، راه های برون رفت از این بحران، چگونگی اتحادها و نیروهای دینفع در حل انسانی بحران کنونی، ضرورت وجودی حزب کمونیست و عمده ترین محورهای ساختاری آن را مورد بحث و بررسی قرار می دهد. این مانیفست در کنگره با اکثریت آراء به تصویب رسید.

برنامه حزب که عدالت اجتماعی، همبستگی، آزادی و صلح در مرکز آن قرار دارد و اساسنامه جدید که بر لغو سانسور ایسم، دموکراسی و واگذاری اختیارات بیشتر به واحدهای محلی از مشخصات بارز آن است نیز با

اکثریت آراء از تصویب کنگره گذشتند. چنانکه آمد کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه از این پس کمیته کشوری نامیده خواهد شد و دفتر کشوری با ۲۲ عضو خود نیز جای هیئت سیاسی را خواهد گرفت.

اومانیتة نشریه حزب نیز از این پس به عنوان "ارگان کمیته مرکزی" بلکه با نام "نشریه حزب کمونیست فرانسه" انتشار خواهد یافت.

حزب کمونیست فرانسه با ۷۴ سال سابقه به رغم کاهش نفوذ و اعتبارش در سالهای اخیر هنوز هم یکی از مطرح ترین احزاب در صحنه سیاسی فرانسه به شمار می رود. تأیید ورود نیروهای شوروی به افغانستان، شکست ائتلاف با سوسیالیستها در دولت فرانسه در اوایل دهه هشتاد، بی اعتنائی نسبی به تحولات اروپا و فروپاشی بلوک شرق و تاخیر در واریسی جنبه های عقب مانده برنامه و اساسنامه حزب، عدم توجه کافی به تغییر و تحول در ساختار اجتماعی و طبقاتی جامعه فرانسه و بی فشاری بر درک سنتی از طبقه کارگر. . . از جمله عوامل کاهش نفوذ حزب کمونیست فرانسه در دهه اخیر بوده اند. با اینهمه اتحادیه کارگری نژدیک به حزب (CGT) هنوز بزرگترین تشکل کارگری فرانسه است که اخیراً در سازماندهی اعتصاب کارکنان ایرفرانس و شکست دولت در خصوصی سازی این شرکت یار دیگر قدرت خود را به نمایش گذاشت. اتحادیه فرهنگیان نژدیک به حزب نیز چندی پیش بسیج

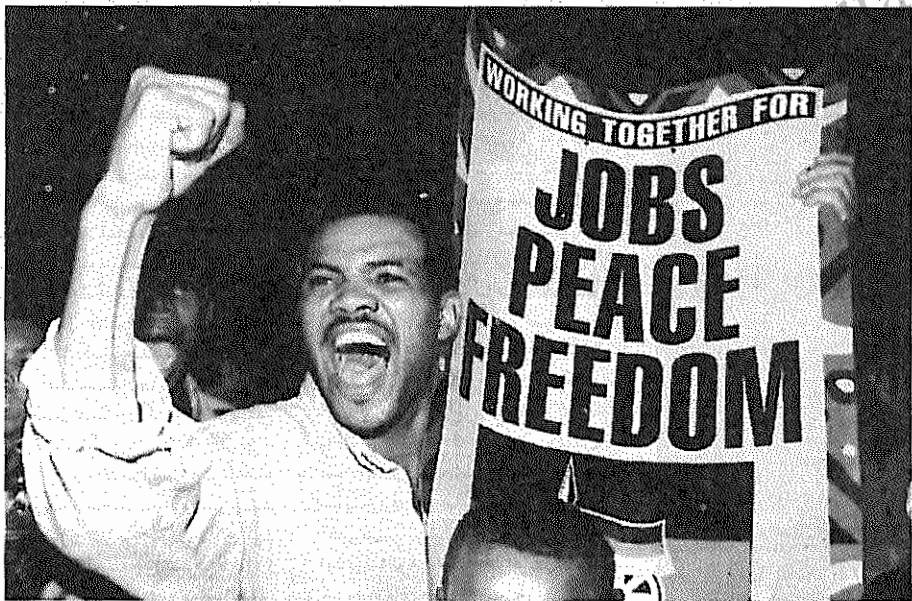
مردم و فرهنگیان و سازماندهی اعتراض آنها علیه خصوصی سازی مدارس و آزاد سازی مجدد کلیسا به دخالت در امر آموزش و پرورش، توانایی و قدرت چشمگیری از خود نشان داد.

حزب کمونیست فرانسه بر طبق آمار هم اکنون ۵۹۰ هزار عضو دارد. از این عده ۵ درصد از سال ۱۹۹۱ به این سو به حزب پیوسته اند. ۹ درصد اعضای حزب زیر سی سال دارند و ۴۰ درصد کل اعضا در کارخانجات و موسسات دولتی مشغول به کارند. فراکسیون حزب کمونیست فرانسه در پارلمان این کشور نیز شامل ۲۳ عضو است.

ژرژ مارش در سخنرانی خود در کنگره، حزب کمونیستی از طراز جدید را پیشنهاد کرد، حزبی که به قول او خود سازی خود را نه در راستای عدول از مواضع کنونی، بلکه برای بهتر کمونیست بودن به پیش می برد.

برخی از ناراضیان حزب، همچون چارلز فیلترمن، وزیر حمل و نقل در دولت ائتلافی با سوسیالیستها تغییر و تحولات درون حزب را نا کافی ارزیابی کرده و کنگره را پیش از پایان آن ترک نمودند. برخی از فعالین اتحادیه های کارگری و شهرداران محلی نیز با این دلیل که در حزب تمایل کافی برای نوسازی وجود ندارد، از شرکت در کنگره سرباز زدند. نمایندگان کنگره این برخورد راناشی از عدم رضایت ناراضیان به

ادامه در صفحه ۱۱



### "کار، صلح، آزادی"

گودویل زولیتینی "پادشاه قبیله زولو خواهان تبدیل استان ناتال آفریقای جنوبی به یک کشور سلطنتی شد. زولیتینی در یادداشتی که روز ۲۵ بهمن به دکلرک رئیس جمهور آفریقای جنوبی تسلیم کرد، اعلام نمود که بزودی بدین منظور یک قانون اساسی منتشر خواهد کرد. زولیتینی در این یادداشت بار دیگر مخالفت خود را با قانون اساسی موقت مورد توافق ای. ان. سی. و دولت اعلام کرد. وی در یک گزارش ۲۰ هزار نفری طرفدارانش، بر "حق تعیین سرنوشت قبیله زولو تا کید و وزید و افزود اگر در جریان تحول نظام سیاسی آفریقای جنوبی، امکان همزیستی با سایر اقوام آفریقای جنوبی از میان برود، ملت زولو با قلمرو دولت مستقل تشکیل خواهد شد.

می گویند در صورتی که خواستشان مبنی بر تشکیل یک دولت مجزای برای سفیدپوستان تحقق نیابد، از بد پرش دولت برآمده از انتخابات سرباز خواهند زد. از آغاز سال جاری مسیحی، راستگرایان افراطی اقدام به بیش از ۳۰ مورد بمب گذاری کرده اند. در این حملات تروریستی، چندین دفتر ای. ان. سی. و نیز خطوط راه آهن و انتقال برق هدف قرار گرفتند. شش تروریست سفیدپوست به اتهام شرکت در این اقدامات بازداشت شده اند.

حزب اینکاتا نیز تهدید به مقاومت در برابر انتخابات کرده است. در استان ناتال که مهمترین پایگاه بوته له زی است، انتظار می رود که تا هنگام برگزاری انتخابات اردیبهشت ماه آینده،

اجلاس "ائتلاف آزادی" در روز ۲۰ بهمن، سران این ائتلاف راست اعلام کردند که اگر خواستههایشان برآورده نشود، مذاکرات با دولت دکلرک و کنگره ملی آفریقا (ای. ان. سی.) بی فایده است. برخی از احزاب راستگرا اعلام کرده اند که نه تنها انتخابات را تحریم خواهند کرد، بلکه علیه آن متوسل به اعمال قهر نیز خواهند شد. خواست اصلی راستگرایان آفریقای جنوبی، خودمختاری مطلق دولت های محلی است. "ائتلاف آزادی" را احزابی تشکیل داده اند که پایگاه اجتماعی شان محدود به مناطق معینی است، مانند "جبهه مردمی آفریکن" که یک گروه نژادپرست سفیدپوست است، و حزب اینکاتا که رهبری بوته له زی رئیس قبیله زولو. مذاکرات این دو